

بخش نخست این مطلب را در شماره پیش خواندید. در آن قسمت به مقولات جدی مربوط به محیط‌زیست، رهیافت سیستمی، ناسازگاری فرض‌ها و اهداف، محیط‌زیست و مشاغل و اکوسیستم پرداخته شد. نویسنده در بخش اول، مخاطرات مدل توسعه غربی را برشمرده و اینک در آخرین قسمت مقاله با بحث رشد، دنباله مطلب را با نگاهی منتقدانه به غرب پی می‌گیرد.

تدبیر
اعتقاد رایج این است که رشد مداوم برای شرکتها و اقتصادهای سالم ضروری است. شرکتها باید رشد کنند تا توانایی رقابت خود را حفظ نمایند. اقتصاد باید رشد کند تا شغل ایجاد کند. رشد حاصل نوآوری است - محصولات جدید، تکنولوژی جدید - که با کیفیت را بالا می‌برد و یا بر کارایی تولید می‌افزاید و در نتیجه سود بیشتر می‌شود. بخشی از این سود باز در ظرفیت تولید سرمایه‌گذاری می‌شود. اما فقط بخش کوچکی از مجموع سود، حاصل نوآوری است. مازادهای هنگفت اقتصاد مدرن اساساً از اقتصادی در حال گسترش به دست می‌آید. گسترش فقط وقتی صورت می‌گیرد که عرضه پول افزایش یابد. نخستین راه برای افزایش عرضه پول استقرار بوده است.

«جنبه عرضه» اقتصاد امریکا در دهه ۱۹۸۰ بیشتر با تامین مالی (از طریق وام) گسترش مصنوعی در تولید سروکار داشت، از طریق ایجاد انگیزه‌های تولید به کمک وجوه دولتی، و ایجاد افزایش مصنوعی در تقاضای داخلی از راه کاهش مالیاتها. این اقتصاد دیگر به‌طور طبیعی رشد نمی‌کند و دولت باید روزه‌روز کار بیشتری انجام دهد تا چرخهای اقتصاد از حرکت باز نماند. البته اگر دولت به اعمال گذشته خود ادامه دهد در گردابی از قرض فرو خواهد رفت که بیرون آمدن از آن ممکن نخواهد بود.

در پی نگرانیهای بعد از جنگ جهانی دوم که مبدا رکود بزرگ برگردد، سه تحول در جهت حمایت از رشد برای بیش از دو دهه ایجاد شد. یکی از این تحولات فرهنگی بود، حرکت از «جامعه قانع و مقتصد» به «جامعه مصرفی» دومین تحول این بود که آیین سازش‌ناپذیر نفروختن اسلحه به کشورهای دیگر کنار گذاشته شد. سومین تحول، راه‌حل امپریالیستی

معضلات جهانی و ضرورت تغییرات همه‌جانبه - قسمت آخر

مداخلات سازنده برای حل معضلات جهانی

نویسنده: ویلیس هارمن

ترجمه: عزیز کیاوند

(درخش خورشید)

سرمایه‌گذاری در خارج، و فروش محصول در خارج بود که هنوز هم از طریق مکانیسم‌هایی مانند نفتا و گات دنبال می‌شود.

این هر سه رهیافت با مشکل روبه‌رو شده است. مصرف، مشکلات محیط‌زیست را تشدید می‌کند. نظامی‌شدن جهان نیز همین کار را می‌کند، ضمن اینکه معایب و اشکالات دیگری نیز در بر دارد. رهیافت امپریالیستی یعنی رهیافت تسلط بر جهان نیز محدود می‌باشد، زیرا دنیا در نهایت یک سیستم بسته است.

بهره‌وری

افزایش بی‌وقفه بهره‌وری برای سلامت اقتصادی، ضروری شمرده می‌شود - باز هم رقابت نیروی محرک اصلی است - ناگفته نماند که تجربه اخیر این است که بهره‌وری بالا منافع موعود را در افزایش کیفیت زندگی مردم عادی همراه نداشته است. این تا حدی به این سبب است که قسمت اعظم افزایش بهره‌وری در کام ساختار حمایتی پیرامونی فرو می‌رود. وقتی که بخش خدمات روزه‌روز بزرگتر می‌شود، افزایش بهره‌وری بخشی را که کالاهای واقعی را می‌سازد رقیب می‌کند. اقتصادهای خدماتی ناگزیر بیش از صادرات خود وارد می‌کنند (زیرا ساخت کالاها را به دیگران وا می‌گذاریم و طبیعی است که صدور خدمات به‌طور کلی دشوار است). به علاوه بخش بزرگی از بهره‌وری بالا صرف پرداخت دیون شرکت می‌شود.

فرض متداول این است که افزایش بی‌وقفه بهره‌وری برای رشد ضرورت دارد. اما رشد در وهله اول نه از بهره‌وری بلکه از افزایشی از عرضه پول حاصل می‌شود، یعنی از وام.

پیشرفت تکنولوژی

اعتقاد رایج این است که کیفیت زندگی باید براساس تکنولوژی سنجیده شود: پیشرفت تکنولوژی = پیشرفت جامعه. بنابراین نمی‌توان منکر تکنولوژی شد؛ اگر یک دانش فنی بتواند

ایجاد و به کار گرفته شود، باید همین کار بشود. شکل و آهنگ زندگی ما نیاز ما به دانشی فنی را دیکته می‌کند که پیوسته در حال پیشرفت باشد. برخی از پیشرفتهای دانش فنی واقعاً کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. اما ضرورت پیشرفت فنی اساساً تابع ضرورت‌های بهره‌وری و رشد است. در نتیجه، دانش فنی ایجاد و به کار گرفته می‌شود بی‌آنکه از بینش اجتماعی و احساس اخلاقی نیرومندی پیروی کند.

پیشرفت صنعتی غالباً فرایندهای کم هزینه دستگاههای خودکار را جایگزین کارگرانی می‌کند که در تولیدات دارای تکنولوژی سطح پایین مردهای بالایی می‌گیرند، و کارگران خارجی، که مزد کمی می‌گیرند، کارگران تولید پیشین را که مزد زیادی می‌گرفتند به مشاغل کم‌مزد بخش خدمات می‌رانند، و سطوح اقتصادی پایین‌تر جامعه را وادار می‌کند که برای حفظ سبک زندگی خود که به آن خو گرفته‌اند زیر بار قرض بروند، و ثروت را از کارگران آواره به کسانی منتقل می‌سازد که صاحب تکنولوژی هستند یا به آن دستیابی دارند.

رقابت و نفع - شخصی

احساس نیاز به رقابت، پیوسته تشدید می‌شود و راهی که بیشتر شرکتها برای افزایش توان رقابتی خود در پیش گرفته‌اند این است که بهره‌وری را از طریق نوآوری افزایش دهند. تسلط بر بازارها بیشتر در دست چند شرکت قدرتمند است به طوری که شرایط رقابت رخت بر بسته است. کاملاً طبیعی است که اقتصادهای بی‌قیدوبند رقابتی پشت به دموکراسی دارند و گرایش آنها به سوی نظامهایی است که روزه‌روز استبدادی‌تر می‌شوند.

در جوی آکنده از رقابت و دست‌پازدن برای بقا، ارزشهای والایر مانند اخلاقی که برای محیط‌زیست دل بسوزاند، رخت بر می‌بندد و همه مثل سگ به جان هم می‌افتند. افراد روزه‌روز بیشتر از صحنه کسب‌وکار سر می‌خورند. اشخاص با رفاهی اندک و تأمینی که سازمانها

فراهم می‌کنند می‌سازند، اما نمی‌خواهند به آنان القا شود که مانند سازمانهایی که در آن کار می‌کنند، پول پرست، همه‌اش به فکر نفع شخصی و شب و روز نگران بقای خود باشند.

پیشرفت

پیشرفت نیروی محرکی است که در قلب جامعه زیر سلطه اقتصاد ما پشت سرهمه فرضها قرار دارد. پیشرفت مادی بر این فرض استوار است که آنچه داریم به هیچ وجه کافی نیست. ما باید جمع کنیم و مصرف کنیم، جمع کنیم و مصرف کنیم و پیوسته به این کار ادامه دهیم. بی‌آنکه حدی برای آن قائل شویم، حدی که در آن خواسته باشیم که متوقف شویم. اما اگر پیشرفت دیگر متضمن دموکراتیک کردن ثروتها و نعمتها نباشد ایده پیشرفت معنای خود را به کلی از دست می‌دهد. این چشم‌انداز و فور نعمت برای همه بود که در گذشته به پیشرفت، جامعه‌ای اخلاقی می‌پوشانید و ایدئولوژی موجبی از آن می‌ساخت.

پیدااست که ترویج الگوهای مصرف غربی به بقیه جهان تاثیری به‌ت‌آورد بر کره زمین خواهد گذاشت و از طرف دیگر ادامه روندهای کنونی عمیق ساختن شکاف بین ثروتمندان و تهیدستان (یا شمال و جنوب)، بذر درگیری و برخوردی اجتناب‌ناپذیر را می‌پاشد.

مالکیت

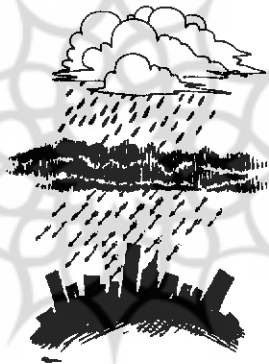
الگوهای مالکیت کمتر مورد تردید قرار گرفته است. این حق شناخته شده یا مسئولیت امانتداریه صاحبان سهام که بر تصمیم‌های شرکت در جهت حداکثر بازده کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری تاثیر می‌بخشد مدیران شرکتها را در منگنه می‌گذارد تا تصمیم‌هایی بگیرند که از نقطه نظر بلندمدت یا حفظ طبیعت و محیط‌زیست نابجا و ناسالم است.

به‌علاوه، این الگوهای مالکیت ماهیتاً با دموکراسی و شأن و شرف انسانی مغایرند. حتی وقتی که شرکت یا بنگاه اقتصادی به شکل محدودی از دموکراسی عمل می‌کند، اگر مالکان، قدرت نهایی را در دست داشته باشند، در نهایت مستبد و خودکامه است. اگر اشخاص روزهای عمر خود را در موسسات اقتصادی خودکامه بگذرانند طعم دموکراسی واقعی را نمی‌چشند. از آنجا که بسیاری از افراد امنیت خود را در این می‌بینند که جایی یا موقعیت و مقامی در شرکت داشته باشند، به میل خویش حکومت خودکامگان را می‌پذیرند.

تمرکز قدرت

در دموکراسی‌های صنعتی معاصر، گرایش طبیعی قدرت به جمع شدن با سنتهای برابری فرصتها و تحرک اجتماعی - اقتصادی مهار می‌شود و از طریق اقدامات قانونی گوناگون مانند قوانین ضد تراست، موافقت‌نامه‌های تجارتي عادلانه، پرداخت و امه‌های تحصیلی، ایجاد تعدیل و موازنه قدرت در حکومت، ترتیبات چانه‌زنی جمعی، کمیسیونهای تنظیم مقررات و غیره، باز هم بیشتر جلو تمرکز قدرت گرفته می‌شود. اما ثابت شده است که این مکانیسمها برای مبارزه با نیروهایی که روزبه‌روز بیشتر موجب توزیع غیرعادلانه ثروت می‌شوند، کافی نیست. بخشی

● جاذبه‌ها و وسوسه‌های جامعه پرناز و نعمت صنعتی نمی‌تواند به جامعه انسجام بخشد و وفاداری متقابل را برانگیزد



● پس از جنگ دوم بود که آئین سازش‌ناپذیر نفروختن اسلحه به کشورهای دیگر، کنار گذاشته شد

از این عدم توفیق ناشی از رشد شرکتهای غول‌آسای فزاملی با چنان قدرت اقتصادی عظیم و گستره جغرافیایی وسیع است که از دایره کنترل معمولی جامعه خارج شده‌اند. البته اصل مطلب بیشتر این است که عدم توفیق مکانیسمها ناشی از این است که خود الگوی اساسی فاقد منطق تعدیل ثروت است.

در جامعه صنعتی غربی این منطق را آیین اخلاقی نوع‌دوستی یهودی-مسیحی که بر ارزشهای متعالی که خارج از الگوی دوران صنعتی بودند فراهم نموده است. این ارزشهای متعالی بقایای یک الگوی مسلط پیش از دوران صنعتی بودند. آن آیین در قرن بیستم با ظهور علوم تجربی

و دیدگاه جهانی ماتریالیستی به شدت بی‌رنگ شد. باسقوط آنچه که به معنای یک «مذهب مدنی» بود، آن مکانیسم‌های تنظیم و تنسيق اجتماعی که باید می‌بود تا جامعه بشری بی‌دردر و با آرامش کار کند کم‌اثر شد.

از این بدتر این است که الگوی مطلوب دوران صنعتی حاوی منطق یا انگیزه‌ای برای توزیع عادلانه‌تر منابع کره زمین بین شمال صنعتی و جنوب فقرزده نمی‌باشد. بذر درگیری در سراسر جهان در بستر شکاف عظیم و روزافزونی که بین مردمانی فقیر و ثروتمند جهان دیده می‌شود پاشیده شده است. در همینجاست که الگوی اعلامی صنعتی و سرمایه‌داری آخر قرن بیستم با چنگ و دندان به چالش خوانده می‌شود. از آنجا که سلاحهای بسیار کارآمد و موثر، چه از نظر دقت هدفگیری و چه از نظر قدرت تخریب انبوه، در همه جا و در دسترس همه کس هست، و با بالاگرفتن کار تروریسم و خرابکاری، چنان درگیری و برخوردی به هیچ گروهی امان نخواهد داد که در پشت حصارهای «امنیت ملی» خویش پناه بگیرد و گزند و آسیبی نبیند.

نرخ برگشت سرمایه‌گذاری

یک عامل در تراکم و نکاتر فزاینده ثروت و قدرت این ایده پذیرفته شده است که شخص یا موسسه‌ای که پول خود را قرض می‌دهد یا سرمایه‌گذاری می‌کند باید همه‌ساله درصدی از پولش به او برگردد و این همان چیزی است که جوامع پیشین آن را «ریاخواری» می‌دانسته‌اند سودجویی از راه تأمین سرمایه.

تاثیر توأم نرخهای بالای برگشت سرمایه و پذیرفتن بار وامهای سنگین در بلندمدت پیامدی واقعاً زیانبار خواهد داشت. برای هر دلاری که خانواده‌ها خرج می‌کنند، در حال حاضر حدود ۳۰ تا ۵۰ سنت صرف پرداخت اقساط و بهره و امه‌ها می‌شود، که بیشتر آن پنهان است. هرکسی، خواه فقیر باشد و خواه ثروتمند، یک سوم تا نصف کل مخارج خود را به صورت پرداخت بهره مستقیم یا غیرمستقیم انجام می‌دهد. البته، گروهی بسیار کوچکتر پول اضافی دارند تا وام بدهند یا سرمایه‌گذاری کنند و بهره یا سود سهام بگیرند.

نتیجه نهایی، شکل‌گرفتن همین نظام توزیع رایج است که پیوسته پول کم‌درآمدها را از چنگشان در می‌آورد و به جیب کسانی سرازیر می‌سازد که بیشتر دارند. روزی می‌رسد که گرایش اقتصاد به تراکم ثروت نارضایی گسترده‌ای ایجاد

می‌کند و نظام سیاسی باید تاوان آن را بپردازد. مکانیسم مشابهی بین کشورها حکمفرماست، که تاثیر آن در این واقعیت خود را نشان می‌دهد که در مورد بسیاری از کشورهای در حال توسعه انتقال ثروت از کشور فقیر به کشور ثروتمند به شکل پرداخت بهره و امها به مراتب بیشتر از جریان عکس آن است که به صورت دادوستد و کمک عمرانی انجام می‌گیرد. این امها که کشورهای در حال توسعه توانایی پرداخت آن را ندارند این کشورها را که بر فروش محصولات کشاورزی متکی هستند ناچار می‌کند تا از خاک بیشتر از ظرفیت آن بهره‌برداری کنند و رُس آنرا بکشند. منابع طبیعی نه برای توسعه بلکه برای پرداخت تعهدات مالی به وام‌دهندگان خارجی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. همان‌طور که در گزارش کمیسیون برونتلند زیر عنوان آینده مشترک ما (سازمان ملل سال ۱۹۸۷) آمده است، «نابرابری مشکل و مسئله اصلی محیط‌زیست کره زمین است؛ نابرابری مشکل اصلی توسعه آن نیز هست».

نتیجه نهایی عمل نیروهای اقتصادی که در بالا ذکر شد به مرور زمان این بوده است که مازاد عظیم جریان نقدینگی شامل صدها هزار میلیارد دلار (یا تریلیونها یین) ایجاد شده است که در سراسر جهان سرگردان است و در جست‌وجوی فرصتهای سرمایه‌گذاری یا سوداگری و بورس‌بازی می‌باشد. وجود این ذخیره عظیم مالی برای سرمایه‌گذاری، فشاری دائمی برای پروژه‌های بزرگ ایجاد می‌کند - پروژه‌هایی نظیر نیروگاههای برق هسته‌ای، سدهای بزرگ و نیروگاههای برق آبی، و تسلیحات و تدارکات نظامی مدرن. بخش نظامی بویژه به سودهای کلانی دست می‌یابد و مادام که شیخ نهید «دشمنان» بتواند حفظ گردد سیر نمی‌شود. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که از دیدگاه اجتماعی و محیط‌زیست مطلوبند، مانند استفاده از انرژی خورشید، جاذبه خود را از دست می‌دهد زیرا نرخ برگشت سرمایه در آنها کمتر از بازارهای پولی است.

وقتی که نرخهای بالای برگشت سرمایه‌گذاری ملاک قرار گیرد، آینده هم به نرخ بالایی تنزیل می‌شود. اگر در یک تحلیل اقتصادی، آینده به نرخ ۱۰ درصد یا بیشتر تنزیل شود، این اصل که سعادت و آسایش نسلهای آینده به حساب نمی‌آید رسماً پذیرفته می‌شود، زیرا تاثیر آن بر

● سرمایه‌گذاری در خارج که پس از جنگ دوم مطرح شد، یک راه حل امپریالیستی بود که اکنون از طریق مکانیسم‌هایی چون «گات» و «افتتا» دنبال می‌شود

تصمیم‌های اقتصادی کنونی ناچیز است. به بیانی دیگر، بازارها فشارهای عظیمی بر مدیران ارشد اجرایی وارد می‌آورند تا تصمیم‌هایی بگیرند که برگشت مالی کوتاه‌مدت آن درخور توجه اما از نظر پیامدهای بلندمدت اجتماعی و زیست‌محیطی ناخردانه باشد.

قمارخانه جهانی

قمار را در گذشته عموماً چیز بدی می‌دانستند زیرا بیشتر آدمهای زرنگ از آن نفع می‌برند و اکثریتی عظیم که فقط با مزد کار خود می‌خواهد زندگی کند زیان می‌بیند. یک تحول فرهنگی اخیر این است که قبح این عمل از بین رفته و به صورت یکی از راه و رسم‌های زندگی درآمدی است. دولتها به این کشف نائل شدند که فروش بلیط بخت‌آزمایی راهی است بی‌دردسر برای پول‌درآوردن و با مقاومت مالیات‌دهنده نیز روبه‌رو نمی‌شود. بازارهای مالی بیشتر عرصه سوداگری و بورس‌بازی شدند تا میدانی برای سرمایه‌گذاری، و در این میان شرکت‌های بیمه و صندوقهای بازنشستگی از بازیگران اصلی صحنه



بوده‌اند. از زمان شکست توافقهای «برتون و و دز» در مورد تثبیت پول، تجارت با پولهای ملی به این جریان مالی کمک می‌کند. چندین تریلیون دلار تجارت جهانی سالانه به کمتر از ۵ درصد کل جریان مالی جهان می‌رسد. بخش عظیمی از وجوهی که دور دنیا سرگردان است در تولید کالاها و خدماتی که در زندگی انسان‌گشایش بیشتری ایجاد کنند هیچ نقشی ندارند. اگر بگوییم که کره زمین به قمارخانه‌ای بزرگ تبدیل شده است، سخنی گراف نگفته‌ایم.

نگاهی دوباره به معضلات

وقتی که به مشکلات محیط‌زیست به شکلی جامع و سیستمی می‌نگریم، هدف ما باید این باشد که چندین هدف از جمله برقراری رابطه‌ای درست با طبیعت، آزادی، عدالت، دموکراسی، غیرنظامی‌شدن جهان و کاهش تدریجی و ریشه‌کن ساختن فقر توأمأ تحقق‌پذیرند. اما فرضها و پندارهایی که بعد از جنگ دوم بر جامعه جهانی حاکم شده است با این هدفها سازگاری ندارند. یکی از دلایل و علت‌های اصلی، این فرض و تصور است که منطق اقتصادی و ارزشهای اقتصادی می‌تواند تصمیم‌ها را به سوی پیامدهای اجتماعی خوب هدایت کند.

هدف جامعه جدید

ریشه معضلات ما عمیق‌تر از آن است که در تحلیل بالا نشان داده شد. مفاهیم بنیادی کسب و نیروی کار، اشتغال و نظریه رفاه و بهزیستی، چه در تحلیل لیبرالی و چه در تحلیل مارکسیستی بر جامعه‌ای استوار است که همه فکر و ذکر آن متوجه تولید باشد. در گذشته شاید معنی داشته است که به تولید اقتصادی به عنوان هدف بالفعل جامعه فکر شود؛ که بخشی روزافزون از مجموع کار و کوشش انسان در اقتصاد آن زمان صرف تولید محصولات کشاورزی می‌شده است؛ که تصور کرد که رابطه اولیه فرد با جامعه از طریق شغل او بوده است، که تفکر اجتماعی در سلطه مفاهیم کمیایی، پنهانکاری و رازداری تجارتي، رقابت و مبادله پولی قرار داشت. اما در آینده دیگر چنین نخواهد بود زیرا یکی از «مسائل» اصلی ما این است که می‌توانیم بیشتر از میزان احتیاج خود تولید کنیم. آیا جامعه‌ای که فکر و ذکر و هم‌وغم آن تولید باشد در بلندمدت معنی خواهد داشت؟ اگر به آینده بنگریم، مسئله اساسی این نخواهد بود که چگونه می‌توان مشاغل بیشتری در بستر اصلی اقتصاد ایجاد کرد. مسئله اصلی خیلی اساسی‌تر از اینهاست. این مسئله اصلاً به مقصود و معنا برمی‌گردد؛ وقتی که دیگر تولید اقتصادی غایت مقصود نباشد، غایت مقصود جوامع فوق‌العاده صنعتی چه خواهد بود؟ زیرا تولید اقتصادی دیگر حریفی نخواهد بود که با آن دست و پنجه نرم کنیم و نیز در بلندمدت توجه و تمرکز بر تولید اقتصادی به آینده‌ای قابل دوام برای جهان نخواهد انجامید.

پاسخ را باید در باورها و تأکیدهای ارزشی در حال ظهور درباره طبیعت و سرشت انسان

جست و جو کرد. پاسخ این است که رشد و توسعه انسان را به سوی کمال سوق دهیم و آموختن وی را به وسیعترین مفهوم ممکن کلمه تشویق نماییم. انگیزه‌هایی که با الگوی مطلوب در حال ظهور همراه باشند با این هدف سازگارند؛ این انگیزه‌ها با مصرف کورکورانه، تحصیل مال و منال و رشد اقتصادی بی‌پایان سازگار نیستند.

این پاسخ از دیدگاه پیشداوری معاصر ما، خواب و خیال و غیرعملی به نظر می‌آید. تاکنون برای هر جامعه و کشوری فوق‌العاده دشوار بوده است که راه رشد و توسعه خود را از راهی که جریان اصلی سیستم اقتصادی جهان نشان داده است، جدا سازد. اما بیش از پیش روشن می‌شود که تنها پیامدهای زیست‌محیطی و زیست‌بومی راهی که در پیش گرفته شده است بالاخره این راه را به بن‌بست می‌کشاند. در آینده احتمال بیشتری وجود دارد که راههای توسعه گوناگونی پیش پای ما باز شود و این تا حدی ناشی از این خواهد بود که آگاهی ما به اینکه مفهوم رشد اقتصادی توسعه، سرانجام نه برای کره زمین خوب است و نه برای مردم، روبه افزایش است. بحران معنا و مفهوم در دنیای صنعتی این امر را دامن خواهد زد. جاذبه‌ها و وسوسه‌های جامعه پرنواز و نعمت صنعتی نمی‌تواند آن نوع معناهای مشترک را فراهم کند که به جامعه انسجام می‌بخشد و وفاداری متقابل را برمی‌انگیزد، و این امر تا حدی ناشی از آن است که شروتمندان همیشه به ایجاد زندگی شاد و سعادت‌مندی برای همه کمک نمی‌کنند.

تغییر جامع سیستمی چگونه رخ می‌دهد؟

اهمیت این تحول امروزی در جهان‌بینی با تحولی که در پایان قرون وسطی در جهان‌بینی انسان پیدا شد و به دنیوی شدن ارزشها انجامید قابل مقایسه است. تحول کوپرنیکی سنگ بنای دنیای معاصر است؛ تغییر امروزی جهان آینده را شکل خواهد داد.

عشق و علاقه دنیای معاصر به اینکه همه چیز را بر مبنای اقتصاد قضاوت کند و در نتیجه همیشه نزدیک را ببیند در ماده‌گرایی (ماتریالیسم) جهان‌بینی علمی جهان ریشه دارد. در این جهان‌بینی ارزشهای والاتر از ارزشهای مادی ارجح و قربی ندارند زیرا تصور نمی‌شود که مبتنی بر واقعیت باشند. جنبش معاصر که در جست‌وجوی جهان‌بینی متعالی‌تری برآمده است، روگردانی از سرمایه‌داری مبتنی بر رشد و جامعه‌ای را که همیشه به فکر تولید است، بیش از پیش موجه



● **ترویج الگوهای مصرف غربی به بقیه جهان، تأثیری به‌ت‌آور بر کره زمین خواهد گذاشت. درگیری ناشی از عمیق شدن شکاف بین شروتمندان و تهیدستان اجتناب‌ناپذیر است**

● **الگوهای مالکیت ماهیتاً با دمکراسی و شأن و شرف انسانی مغایرند**

می‌سازد. وقتی که این جنبش پا بگیرد، پایه‌های مشروعیت نظم کهنه روزبه‌روز سست‌تر خواهد شد.

قدرتمندترین نیرو برای تغییر اجتماعی همیشه سلب مشروعیت از نظم کهنه بوده است. حتی نیرومندترین نهاد هم ممکن است تغییر کند یا از هم بپاشد و آن وقتی است که مشروعیت آن به‌شدت مورد تردید و معارضه قرار گیرد. (چنانکه نمونه‌های آن را در پاییز سال ۱۹۸۹ در اروپای شرقی و در اوت سال ۱۹۹۱ در حزب کمونیست اتحاد جماهیرهای شوروی دیدیم). مبنای چنین انکار مشروعیتی معمولاً ترکیبی از چند عامل زیر است: نظم کهنه کارایی لازم را ندارد که هدفهای جامعه را تحقق بخشد؛ یا اینکه طبق ارزشهای مورد توافق مردم کار نمی‌کند؛ و یا اینکه از همان اول بنیاد مستحکمی نداشته است. اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر رشد معاصر، در هر سه مورد پایش می‌لنگد. در این اقتصاد، هدفهای اجتماعی، همان‌طور که گفته شد، تحقق نمی‌یابد، ارزشهای اقتصادی برای نهادی که با قدرت تمام بر همه شئون زندگی جامعه اثر می‌گذارد راهنمای مناسبی نیست و در آغاز هیچ‌گاه قرار نبوده است که شرکتها و بنگاههای اقتصادی این همه آزادی عمل امروزی را داشته باشند.

دوره گذار

ما اکنون در دوره گذار به‌سر می‌بریم. در نظم کهنه نشانه‌های زوال دیده می‌شود. نظامی شدن جوامع در سراسر دنیا، حرکت تدریجی به سوی آشوب و هرج و مرج، نبودن اشتغال کامل و بی‌خانمانی؛ بیگانگی گسترده و خشونت‌های درون‌شهری، شکستن کلی میثاق اجتماعی بین جامعه و کارگر؛ بی‌اثر بودن ذاتی «جنگ بر ضد مواد مخدر» و مانند آن.

شکل نظم نو هنوز محسوس نیست، گرچه به‌نظر می‌رسد که جنبه‌هایی از آن را در آمیزه‌ای از انواع جدید فعالیت‌های تولیدی، اشکال جدید گروه‌ها و جماعتها، اقتصادهای جایگزین^(۱) و مانند آن که مظهر تجسم ارزشها و اصول هم‌جهت با الگوی مطلوب جدید هستند، می‌بینیم. سالها پیش از اینکه مخاطرات نهایی تخریب محیط‌زیست یا دخالت در سیستمهای حفاظتی کره زمین فرا برسد، یکی از چندین اتفاق باید بیفتد تا زوال سریع سیستم و تغییر شتابزده را به‌نمایش بگذارد. یکی از آنها، بدون تردید، یک فاجعه بزرگ زیست‌محیطی است. اتفاق دیگر سقوط نظام پولی است. «در اوایل دهه ۱۹۷۰ همه پول‌های رایج جهان از پایه طلا و نقره جدا و به پول دستوری تبدیل شد، پولی که تکیه‌گاه آن فقط اعتقاد مردم به حکومت کشور است». یکی دیگر افتادن در گرداب خروج‌ناپذیر قرض است.

مداخلات سازنده کدامند؟

باین تصویر مداخلات سازنده چه معنایی دارد؟ اولین نکته درخور توجه این است که از هم‌پاشیدن نظم کهنه و قابل رویت نبودن نشانه‌های بنای یک نظم نو مشتأبیم و هراسی عظیم است. از آنجا که عده زیادی در جامعه معاصر با شغل خود در جریان اصلی اقتصاد شناخته می‌شوند، قسمت اعظمی از این ترس از شرایط اقتصادی خواهد بود. ترس هم تنش ایجاد می‌کند و موجب می‌شود که انسان دست به کارهایی غلط بزند.

به‌نظر من سه نوع دخالت وجود دارد که همه آنها می‌توانند کارساز باشند. اولین دخالت این است که به مسئله آشکارا، حمله نماییم. در مورد محیط‌زیست، بدیهی‌ترین دخالت این است که برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست اقدام کنیم و خسارت‌های زیست‌محیطی را ترمیم نماییم.

بقیه در صفحه ۶۷

کنترل پروژه

شاخص

نرم افزار



محصولات شرکت نرم افزاری فرازان

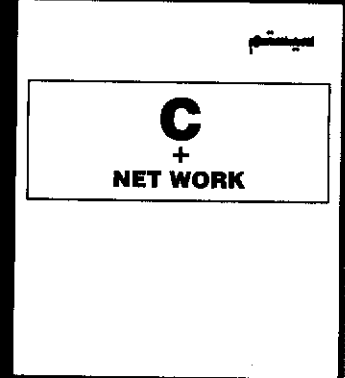
- ◆ نرم افزار کنترل پروژه "شاخص"، برگردان Time Line ver.5.0 | با همکاری شرکت مشاورین پارس سیستم
- ◆ نرم افزار "دریچه" تنها فارسی ساز با پشتیبانی همزمان چهارسیستم کنگداری برای Windows انگلیسی و Windows for Workgroups
- ◆ نرم افزار کنترل پروژه "پیشرو" برگردان Project Scheduler 6 (تحت Windows)
- ◆ نرم افزار کنترل پروژه Microsoft Project 4.0 با امکان تقویم شمسی (تحت Windows)

شرکت نرم افزاری فرازان

تهران، خیابان سهوردی شمال، بالاتر از خیابان شهید بهشتی، کوچه شهرقاش
ساختمان ۱۲، شماره ۲ تلفن: ۸۶۹۶۱۷

نهاد بازرگانی

مشاورین انفورماتیک



سیستم اطلاعات مدیریت بازرگانی مدیریت کالا اداری مالی



اداری

حقوق و دستمزد	پرسنلی	ارزانی و ملکرد	دیرخانه و می گیری مکتوبات
---------------	--------	----------------	---------------------------

مدیریت کالا

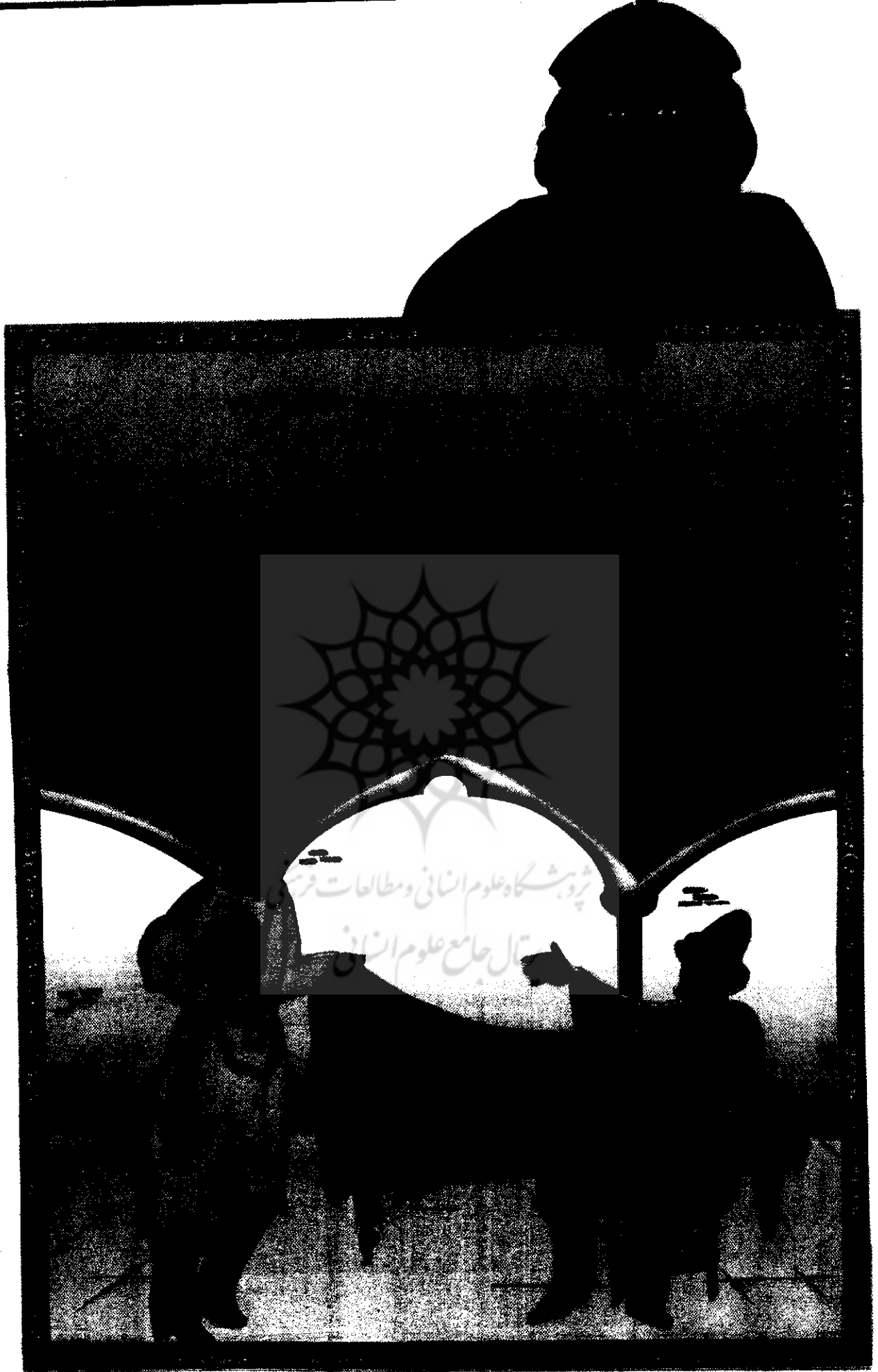
ایبار	حسابداری ایبار	ساخت	برنامه ریزی و کنترل تولید	برنامه ریزی و کنترل تعمیرات
-------	----------------	------	---------------------------	-----------------------------

بازرگانی

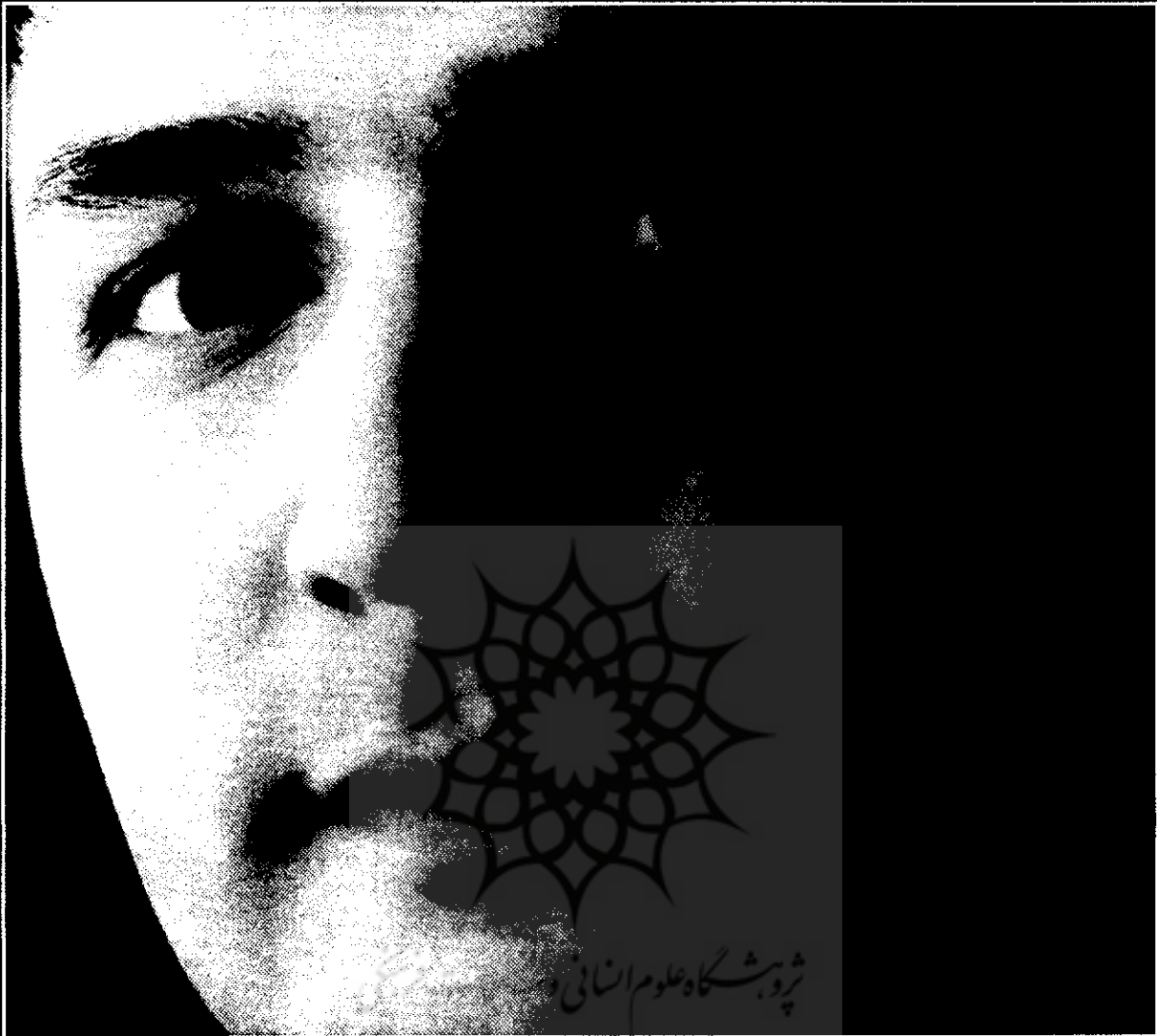
تدارکات داخلی	تدارکات خارجی	فروش
---------------	---------------	------

مالی

- دفترداری
- اموال
- خزانه داری
- تنظیم صورت های مالی
- سهام



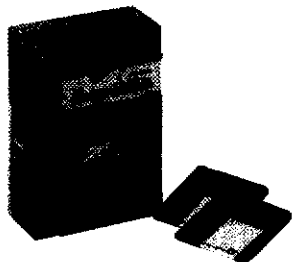
برای بهتر شناختن ما از دیگران سؤال کنید



پرس و جو کردن از دیگران برای بدست آوردن شناخت بیشتر و بهتر
یک رویه معمول و مرسوم همگانی است. شما هم می توانید برای آشنائی
نزدیک تر با ما همین کار را بکنید.

فعالیت ما برآورده نمودن نیازهای مؤسسات صنعتی و بازرگانی
در زمینه سیستمهای اطلاعات مدیریت و ارائه نرم افزارهای مناسب برای
نظامهای مالی - اداری - بازرگانی است.

« برای دریافت بروشورها و کسب اطلاعات فنی با ما تماس بگیرید »



همکاران در پیوسته

تجربه و تخصص ما، نرم افزاری مطمئن برای شما

تهران - کدپستی ۱۵۸۶۷، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمالی تهران کلینیک، خیابان شهدا
شماره ۲۸، تلفن: ۸۷۱۴۱۹۹ - ۸۷۱۵۶۲۶ - ۸۷۱۵۱۱۶ - ۸۷۱۵۸۲۱، فاکس: ۸۷۱۵۶۳۸





تلفن: ۶۴۳۳۳۱۳-۶۴۳۳۳۱۴ فکس: ۹۳۴۹۴۱

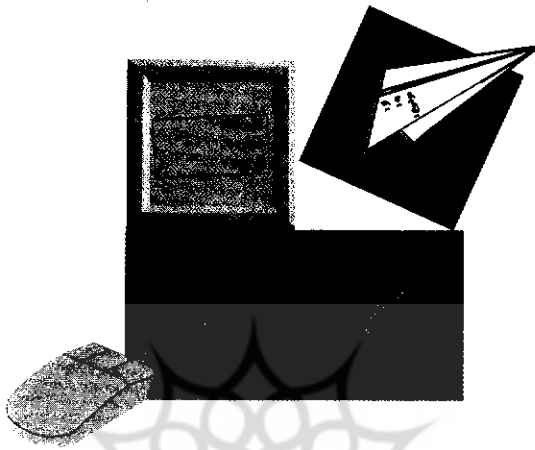
تأسیسات



رژ سیستم

کار اداری نیز می تواند آسان و لذتبخش باشد!

محصول جدید



Office Automation

تامه

پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اولین سیستم جامع اتوماسیون اداری در محیط Windows فارسی

دبیرخانه

- ثبت اتوماسیون اسناد وارده یا صادره
- امکان تصفیح اصل سند که می تواند به مشکل زیر باشد
- متن چاپ شده توسط و از دیرمادهای تحت ویندوز
- تصویر اسکن شده اسناد
- هر نوع فایل کامپیوتری دیگر
- امکان اتصال بیش از ۳۰ نوع پرونده به یک سند
- امکان طبقه بندی اسناد
- امکان جستجو در اتوماسیون و بازیابی اسناد ثبت شده
- ایجاد زنجیره های بین نامه های عطف و پیرو

بایگانی

- امکان ارجاع اسناد به بایگانی
- ارتباط کامل بین دبیرخانه و بایگانی
- امکان فشرده سازی اسناد قبل از بایگانی تا حدود ۹۰٪
- امکان تعریف موضوع و کلید واژه برای اسناد قبل از بایگانی آنها و بازیابی از این طریق
- امکان مرور و بازیابی اسناد بایگانی شده
- امکان استفاده از دستک های نوری جهت نظرسنجی
- امکان ایجاد آرشیو (بایگانی) رکورد از اسناد

ارجاع و پیگیری

- امکان ارجاع سند و الحاقات آن به کاربران سیستم
 - امکان ارجاع رونوشت سند به کاربران دیگر
 - امکان پیگیری سند، ارجاعات و محل فعلی آن
 - امکان بررسی وضعیت نامه ها و اسناد در گردش
- امنیت، سرپرستی**
- امکان تعریف چارت تشکیلاتی سازمان
 - امکان تعریف کاربران سیستم، جایگاه
 - تشکیلاتی، رده و سطح طبقه بندی آنها
 - ایجاد ارتباط بین موضوعات بایگانی و ادارات

تسهیلات

- وجود کار قابل برای هر یک از کاربران
- وجود بایگانی شخصی برای هر یک از کاربران
- امکان ارسال یادداشت در سطح شبکه برای کاربران دیگر
- امکان استفاده از سامانه جهت برنامه ریزی
- وظائف شخصی و تقویم
- امکان تنظیم فرآیند ملاقاتها و یادآوری
- وجود دفترچه تلفن و سایر تسهیلات

بیمار با چک پول بانک تجارت





مشاوره آموزش تحقیق

از زمان مدیریت صنعتی

بسمه تعالی

چهارمین دوره تخصصی مدیریت بازرگانی

ویژه:

مدیران بازرگانی موسسات تولیدی و خدماتی و مدیران مرتبط با فعالیتهای بازرگانی سازمانها

چهارمین دوره مدیریت بازرگانی در دی ماه شروع می شود. واجدین شرایط میتوانند برای ثبت نام و شرکت در این برنامه آموزشی اقدام نمایند.

هدف: اهداف کلی این دوره، بازنگرشی در مسائل مختلف و متنوع حوزه عملیات با تغییر و تحولات سریع این حوزه در کشور و جهان می باشد.

محتوای دوره: دوره مدیریت بازرگانی شامل پنج مجموعه اصلی میباشد:
کلیات: نظریه عمومی سیستمها و نگرش سیستمی، آشنائی با مبانی اقتصاد خرد و کلان.

دروس عمومی: تجارت بین الملل و سیر تحول آن، اصول مدیریت، برنامه ریزی نیروی انسانی، اصول و مفاهیم مالی برای مدیران غیر مالی.

دروس اختصاصی: بازاریابی و مدیریت بازار، پول ارز و امور بانکی، امور گمرکی و حمل و نقل، بیمه و نقش آن در رشد بازرگانی، قراردادهای بازرگانی و مسائل حقوقی آن، مدیریت خرید (داخلی و خارجی)، مدیریت فروش (داخلی و خارجی)، کاربرد کامپیوتر در سیستمهای اطلاعاتی، بازرگانی.

سمینارها: مفاهیم بهره‌وری و نقش و اهمیت آن در تجارت، استانداردهای سری ISO 9000، سیاست توسعه تجارت کشور، روشهای تولید در کارخانجات صنعتی، روشهای بازرسی محصول در معاملات تجاری.

مدت دوره: ۵۰ جلسه، هر جلسه ۵ ساعت آموزشی، روزهای یکشنبه از ساعت ۸ الی ۱۳.

زمان شروع: یکشنبه ۷۴/۱۰/۲۴

روش تدریس: ارائه مطالب با تاکید به جنبه‌های کاربردی موضوعات بوده و مباحث با استفاده از امکانات کمک آموزشی، بررسی مورد (Case Study) و سمینار ارائه خواهد گردید.

شرایط شرکت کنندگان: داشتن حداقل مدرک تحصیلی لیسانس در زمینه‌های مرتبط با مدیریت بازرگانی - حداقل ۲ سال تجربه کاری در امور بازرگانی - تسلط به زبان انگلیسی در حد برداشت و درک متون.

نحوه ثبت نام: علاتمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام می‌توانند با دفتر دوره‌های تخصصی مدیریت مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی به نشانی تهران، خیابان ولیعصر - نبش جام جم، تلفن مستقیم

۲۰۴۱۰۸۴ و یا تلفن‌های ۹-۲۰۴۴۱۰۱۰ داخلی (۱۸۰) و فاکس ۲۰۴۱۰۸۱ تماس حاصل فرمایند.

دلیران

DELLIRAN

پشتوانه‌ای همیشگی

MULTIMEDIA

SERVER

STATION

تنوع و کیفیت تولیدات ما
بادار بودن استاندارد FCC
وسه سال گارانتی برای
کیفیت قطعات ، پشتوانه ماست



خیابان فلسطین شماره ۲۴۷ ساختمان دلیران
تلفن ۸۹۱۶۱۹ ۸۸۹-۲۴۷ فاکس ۸۹۸۲۳۷



PARGAR



سخنی پیرامون مباحث میزگرد شماره ۵۸

به چشم کسان در نیاید کسی
که از خود، بزرگی نماید بسی
مگسو تا بگویند شکر هزار
چو خود گفتی از کس توقع مدار

«سعدی»

بهرتر نیست که حداقل تنی چند از اعضای هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی که کشور دوستی و سعده صدر و فرزادنگی آنان برکسی پوشیده نیست. در این میزگرد دعوت شوند؟

۵ - یکی از شرکت‌کنندگان محترم در این میزگرد، از یک‌سو به «پایین و نامعقول بودن بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی» اشاره کرده‌اند و از سوی دیگر اظهار داشته‌اند که «بسیاری از مدیران بنگاه‌های دولتی به دلیل داشتن فرهنگ و بینش اسلامی در مقایسه با مدیران ملل دیگر، از کارایی بالاتری برخوردار هستند». آیا می‌توان متناقض بودن این عبارات را انکار کرد؟ همین شرکت‌کننده محترم در بخش دیگری از اظهارات خود خاطر نشان کرده‌اند که «در بخش عمومی، بنگاه‌های متعددی وجود دارند که حدود ۲۵ درصد ظرفیت، تولید می‌کنند». به نظر می‌رسد ایشان برای سایر ملل جهان، میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود را کمتر از ۲۵ درصد فرض کرده‌اند. جای تردید نیست که مدیران دولتی ما و بلکه آحاد مردم این مرز و بوم به برکت انقلاب مقدس ۲۲ بهمن و زحمات چندین دهه‌ای بنیانگذار کبیر و گرانقدر جمهوری اسلامی ایران، همگی متمم از نعمت بی‌همتای اسلام و ملهم از بینش اسلامی هستند. بدین ترتیب اگر بررسی‌های مستند به آمار و ارقام گویا، عدم کارایی برخی مدیران دولتی را ثابت کرد، این تناقض را چگونه باید توجیه نمود؟□

حیدرعلی شالوند

وظیفه پشتیبانی رزمندگان اسلام را بر عهده داشتند- بطور اخص، است.

۳- تردیدی نیست که در شرایط کنونی و با توجه به اهتمام جدی دولت برای تشویق آحاد مردم به فعالیت در زمینه‌های مولد اقتصادی و گسترش نقش بخش خصوصی در پیشبرد هدفهای برنامه پنجساله دوم، هرگونه بحث و گفتگو و اظهار نظر که به نحوی در تعارض یا جهت‌گیری‌های اساسی دولت باشد، می‌تواند متناسب با شأن و درجه و موقعیت گویندگان، نتیجه‌بخشی برنامه‌های دولت را تهدید نماید. اصولاً چه لزومی دارد که برای دفاع از مدیران دولتی، اتهامات و نسبت‌های عموماً غیر واقع‌بینانه‌ای را به بخش خصوصی وارد کنیم؟ در مقدمه «اشاره» میزگرد، بخش خصوصی به فزون طلبی و سرمایه‌گذاری در مسیری که لزوماً به نفع جامعه نیست، متهم شده است. آیا بدین ترتیب جوانه‌های تازه رویده اعتماد و اطمینان در کارآفرینان این دیار برای آغاز حرکتی مثبت را زرد و پژمرده نکرده‌ایم؟

۴ - محققاً تمامی شرکت‌کنندگان در میزگرد این شماره تدبیر، یا از مدیران با سابقه دولتی و یا از مشاورانی تشکیل شده‌اند که کلاً در خدمت بوروکراسی بوده‌اند. برخلاف سنت بسیار مقبول «تدبیر» در دعوت از صاحب‌نظران دانشمند به منظور احتراز از یک طرفه شدن بحث‌ها، در این میزگرد غیبت پژوهشگران بی‌طرف و دانش دوست کاملاً مشهود است. اگر میزگرد درصدد ارزیابی عملکرد و داوری بین خوبی و بدی کار مدیران دولتی است (یعنی مطلبی که آقای مهندس حاج‌فتحعلیها بر آن تاکید کرده‌اند)، آیا

تسدبیر همواره از بحث‌ها، انتقادات و اظهارنظرهای کارشناسی پیرامون مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریت استقبال کرده است. چه از خلال طرح و ارائه این آراء و اندیشه‌ها می‌توان افق روشن توسعه را پیش روی ترسیم کرد و به دوران سازندگی گام نهاد. این امر همچنین به گسترش ظرفیت‌های علمی و کارشناسی داخلی و حضور و مشارکت هرچه بیشتر صاحب‌نظران در فرآیند رشد و بالندگی منجر خواهد شد. آنچه در پی می‌آید دیدگاه‌های یکی از کارشناسان دربار مباحث ارائه شده در میزگرد تدبیر شماره ۵۸ است. تدبیر آماده‌است تا در صورت دریافت نظریات دیگر کارشناسان، در ارائه آنها نیز بکوشد.

در ارتباط با مباحث مطرح‌شده در میزگرد تدبیر «شماره ۵۸، آذرماه ۱۳۷۴» تحت عنوان «ارتقاء کارایی در بنگاه‌های دولتی»، نکاتی را به استحضار می‌رسانم:

۱- بی‌گمان نقطه نظرها و تحلیل‌هایی که در میزگردهای «تدبیر» مطرح می‌شود، به اعتبار دانش وسیع و تجارب ارزشمند شرکت‌کنندگان محترم، در کنار سایر مقالات، گلستانی معطر و باصفا را پیش روی دانش‌پژوهان و خوانندگان عزیز این ماهنامه کم نظیر، قرار می‌دهد.

۲- محققاً، پیروزی مردم مسلمان ایران و پایمردی قهرمانانه آنان در برابر نیرنگ‌ها و خصومت‌های بی‌حد و شمار دشمنان، بویژه در طول هشت سال دفاع مقدس، گواه بارز کارآمدی دولت بطور کلی و لیاقت مدیران زحمتکش و پرکار واحدهای صنعتی - خصوصاً آندسته از واحدها که مستقیماً

آزمون تئوری‌های عمومی مدیریت

از این شماره به بعد به تدریج بخشهایی از سؤالات آزمون دومین دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی سازمان مدیریت صنعتی و پاسخ آنها چاپ خواهد شد. به باور ما، مطالعه و پاسخگویی به این سؤالات علاوه بر داوطلبان کتکور کارشناسی ارشد و دانشجویان مدیریت می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای خودآزمایی، برای تمامی مدیران مفید باشد. پاسخ سؤالات نیز در همان شماره منعکس خواهد شد. این شماره به سؤالات تئوری عمومی مدیریت اختصاص دارد.

تعداد: ۴۵ سؤال آزمون تئوری‌های عمومی مدیریت

وقت پیشنهادی: ۵۰ دقیقه

۳) مدیر عامل خطاب به اعضای هیات مدیره: در ماه بهمن نیاز به پنجاه میلیون ریال نقدینگی داریم.

مدیر مالی خطاب به اعضای هیات مدیره: و در ماه اسفند دوبرابر این مقدار ۴) مدیر عامل: آیامدیران از سمینار آموزشی راضی هستند؟

مدیر آموزش: از محتوای سمینار راضی میباشند اما روش ارائه را نمی‌پسندند. ۵) کدام گزینه استاندارد کمی در زمینه‌ای مخصوص رامنفری می‌کند؟

۱) نیروی انسانی لازم برای تولید هر تن فولاد در ژاپن سه نفر - ساعت است. اما با توجه به جوانی صنعت فولاد در ایران، ما این رقم را شش نفر - ساعت تعیین کرده‌ایم. فرض ما این است که با کوشش معقولی می‌توانیم به این رقم برسیم. ۲) حداقل نیروی انسانی مصروفه برای تولید هر قطعه در کارگاه ما شش نفر - ساعت است. البته با قدری کوشش می‌توان این رقم را به نصف رساند.

۳) حداکثر تعداد صفحاتی که دانشجویان ما می‌توانند در ظرف یک ساعت مطالعه کنند و مطالب آنرا فراگیرند، از ده تجاوز نمی‌کند. امید ما این است که این رقم به دوبرابر برسد.

۴) متوسط تولید روزانه کارخانه ما در سه‌ماه گذشته ۱۲۰/۰۰۰ تن بوده است. البته این رقم نوسانات فصلی دارد.

مدیر تولید یک بنگاه انتفاعی درباره اخراج انضباطی یکی از کارکنانی که تاخیر ورود و غیبت‌های مکرر غیرمجاز داشته است با مدیرعامل مذاکره میکند. مدیرعامل به وی توصیه میکند که قبل از اقدامات حاد انضباطی مانند خاتمه خدمت بهتر است علل و چرایی‌های انحرافات فرد خاطی بررسی شود. مدیر تولید گزارش میدهد که رفتار کارمند مورد نظر حاکی از اعتیاد به مواد مخدر است، ازاینرو اخراج وی مناسب‌ترین اقدام است. وی میگوید به اعتقاد من فرد معتاد، معتاد میماند و وجود او در سازمان مانند پیروس یک بیماری است که میتواند محیط را آلوده کند. مدیرعامل یادآور میشود که البته حل مسائل انسانی مانند معضلات مکانیکی نیست و نیاز به حوصله و همدلی و مذاقه در احوال انسانها دارد. شروع اعتیاد از تقلید و بوالهوسی است اما ادامه آن یک بیماری است. با این بیماری باید مانند سایر امراض برخورد کرد. مدیر تولید میگوید اگر یک بنگاه اقتصادی انتفاعی بخواهد خودش رادرگیر حل چنین مشکلاتی کند از کار اصلی خود که تولید اقتصادی است باز میماند. مدیرعامل پاسخ می‌دهد اگر ما این مشکل را با اخراج کارمند از خود دور کنیم به کجا منتقل می‌شود؟ آیا جامعه به اندازه کافی مشکل و مسئله ندارد؟ مدیر تولید متذکر می‌شود که وی با اقدامات لازم در جهت تامین سلامت و بهداشت روانی و تنی کارکنان مخالف نیست، اما بی‌نظمی‌های ناشی از اعتیاد را فقط با مقررات انضباطی باید پاسخ داد.

۶) کدام مفهوم معرف سبک مدیریت مدیر تولید است؟

۱) مدیر خشک و مقرراتی ۳) مدیر کارگرا

۲) مدیر دیکتاتور ۴) مدیر غیرقابل انعطاف

۷) کدام بیانیه درباره حیطه نظارت / سرپرستی یا کنترول (Span of Control) صحیح است؟

در برنامه‌های جامع یا استراتژیک سوالات اصلی و مسائل اساسی سازمان مطرح می‌شود.

۱- کدام گزینه نمونه بهتری از مسائل اساسی یک موسسه تولیدی انتفاعی را که میتواند موضوع برنامه‌ریزی استراتژیک قرار گیرد معرفی می‌کند؟
۱) تشکیل یک واحد فعال پژوهش و ابداع (= تحقیق و توسعه R&D) و سرمایه‌گذاری گسترده در زمینه نوآوری در محصول و فرآیند.

۲) استفاده از پیمانکار حمل و نقل برای ایاب‌وذهاب کارکنان و مامورینهای اداری بجای سرمایه‌گذاری در وسایط نقلیه

۳) یکسره کردن ساعات کار کارکنان و حذف نهار

۴) آموزش کارکنان زائد برای استفاده در محلهای بلانصدی بجای اخراج آنان

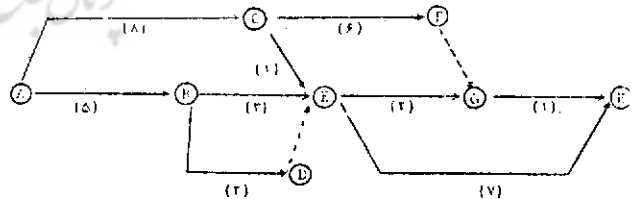
۲- کدام گزینه معرف نمونه‌ای از شرایط درونی یک بنگاه اقتصادی انتفاعی است؟

۱) نرخ تورم ۲) مشتریان بنگاه

۳) سرمایه بنگاه ۴) تحولات تکنولوژی در صنعت مربوطه

در شبکه زیر اعداد داخل پرانتز معرف زمان هر فعالیت به هفته است.
۳- کدام گزینه معرف طول مسیر بحرانی در این شبکه است؟

۱) ۱۵ هفته ۲) ۱۶ هفته ۳) ۲۱ هفته ۴) ۱۸ هفته



۴- در کدام گزینه اطلاعاتی که لزوماً آنرا بتوان بازخور (Feedback) نامید، وجود ندارد؟

۱) استاد: برداشت کلی شما از این مبحث چیست؟

دانشجو: چیز زیادی از این مبحث دستگیرم نشد.

۲) مدیر تولید: برنامه تولید چگونه پیش می‌رود.

مسئول خط: طبق برنامه پیش‌بینی شده.

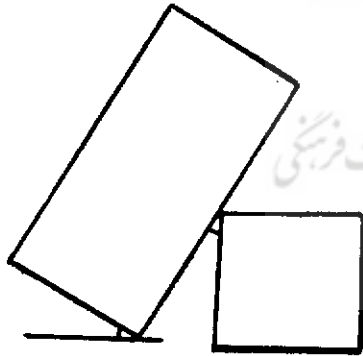
Supervision/Control درست است؟

- (۴) بلوغ اجتماعی و توانایی های حرفه ای کارکنان
۱۵ - در ادبیات علم اداره بویژه در نوشته های ماکس وبر (Max Weber) مراد از واژه بوروکراسی چیست؟
(۱) حکومت توسط دستگاه اداری (۲) کاغذبازی و سخت گیری مقرراتی
(۳) دستگاههای اداری دولتی (۴) سازمانهای رایج اداری عصر جدید (پس از فنودالیزم)
۱۶ - کدام گزینه هدف از کاربرد تکنیک گروه صوری (Nominal Group) را معرفی میکند؟

- (۱) بهبود تصمیم گیری گروهی (۲) کنترل کیفیت جامع
(۳) گروه به عنوان جانشین رهبر (۴) آموزش برای کار گروهی
۱۷ - کدام گزینه موافق یافته های پژوهشی میثاق ارتباطات است؟
(۱) پیام های غیرکلامی مانند هیجانات روحی در حد علائم کلامی قابل کنترل نیست لهذا خالصتر است.
(۲) بیشترین ارتباط میان انسانها از طریق کلامی صورت می گیرد.
(۳) ارتباط غیرکلامی فقط در دوران طفولیت اهمیت دارد.
(۴) ارتباط غیرکلامی در پژوهشهای علمی نمی توان استفاده کرد.

- ۱۸ - کدام گزینه معرف ارتباطی است که در آن حلقه بازخور وجود دارد؟
(۱) ارتباط تکراری (۲) ارتباط سلسله مراتبی
(۳) ارتباط دوطرفه (۴) ارتباط افقی

- ۱۹ - بیانیه فوق اشاره به کدام یک از فرایندهای زیر دارد؟
(۱) مرادوات اجتماعی (۲) یادگیری
(۳) ادراک (۴) تصمیم گیری
۲۰ - استاد ارتباطات شکل زیر را به دست یکی از دانشجویان داد تا پشت به کلاس نحوه ترسیم آنرا قدم به قدم تشریح کند. دانشجویان در مدت تمرین حق سوال نداشتند.



- ۲۰ - این تمرین مرتبط با کدام یک از مفاهیم زیر است؟
(۱) ارتباط غیرکلامی
(۲) ارتباط دوطرفه
(۳) ارتباط افقی
(۴) ارتباط یکطرفه
سرپرست دایره تعمیرات ابزار دقیق هنگام پیشنهاد اضافه حقوق سالانه برای دوتن از کارکنان خود دچار مشکلی شد. تقی فردیست مجرد که قسمت زیادی از وقت خود را صرف آموزش خود می کند و در کارش مهارت زیادی دارد. نحوه کار او عالیست. حسن وقت زیادی برای آموزش و بهسازی خود ندارد چون سرپرستی یک خانواده ده نفره را عهده دار است. او مجبور است هر روز اضافه کار قبول کند تا بتواند حداقل هزینه های زندگی اش را تامین کند.
(۱) عدم تمرکز سازمانی (۲) ارتباطات گسترده سازمانی
(۳) گروههای کاروان و منسجم (۴) مقررات قابل انعطاف
۱۴ - بر اساس نظریه چرخه زندگی (life cycle) رهبری، رهبر برای اتخاذ سبک مناسب باید به کدام یک از خصوصیات زیر توجه کند؟
(۱) عنوان شغل و میزان تحصیلات کارکنان
(۲) ماهیت کار و توانایی کارکنان
(۳) احساس وفاداری و دلبستگی کارکنان به سازمان

نماید. نسبت به تلی، عملکرد حسن متوسط ارزیابی میشود. حداکثر اضافه حقوق قابل پرداخت ۵٪ دستمزد ماهانه است که در مورد این دونفر مبلغی حدود یک هزار تومان می شود. سرپرست پس از مدتی تفکر و دودلی، تصمیم میگیرد که برای هر دو نفر حداکثر اضافه حقوق ممکن را پیشنهاد کند. وقتی درباره چرایی این تصمیم از او سؤال میشود در پاسخ میگوید عملکرد عالی تلی و نیاز خانواده حسن. خانواده نهاد مقدسی است باید آنرا مستحکم نگاه داشت.

۲۱- کدام گزینه مفهوم علمی نهفته در داستان فوق را معرفی می کند؟

- ۱) مشکل ارزیابی عملکرد کارکنان برای سرپرست مهربان
 - ۲) جدال میان نوع دوستی و قاطعیت در امر سرپرستی
 - ۳) تصمیم گیری احساسی و منطقی
 - ۴) تاثیر ارزشهای فردی بر تصمیم گیریهای سازمانی
- ۲۲- کدام گزینه مثال خوبی از تصمیمهای برنامه ای (= برنامه ریزی شده Programmed Decisions) است؟
- ۱) تصمیم درباره امور جاری و مسبق به سابقه
 - ۲) تصمیم در چارچوب برنامه های پیش بینی شده
 - ۳) تصمیم در چارچوب جداول زمانی طرحها
 - ۴) تصمیم به کمک نرم افزار کامپیوتری
- ۲۳- کدام گزینه در ادبیات مدیریت مفهوم سیاست (= خط مشی Policy) را دربردارد؟

- ۱) تصمیم با آثار گسترده و دوربرد سازمانی
- ۲) تصمیم مقامات سیاسی
- ۳) تصمیمی که هزینه زیادی دربردارد.
- ۴) هرنوع تصمیم هیات مدیره

۲۴- کدام گزینه به محدودیتهای مهم و عمومی مدیران در راه استفاده از الگوی منطقی (= عقلایی یا عقلانی Rational) تصمیم گیری اشاره دارد؟

- ۱) کمبود اطلاعات، فشار زمان، مشکل ذهنی پردازش اطلاعات
- ۲) ناآشنایی با کامپیوتر، انبوه اطلاعات، وقت کم
- ۳) ناآشنایی با فنون تصمیم گیری، علاقه به تصمیم گیری فردی، محدودیت دانش
- ۴) نداشتن سیستم مدون اطلاعات مدیریت، نداشتن ضوابط منطقی، ناآشنایی با روش منطقی تصمیم گیری

۲۵- از روش تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر (Breakeven Point) در کدام یک از موارد زیر می توان به نحو موثری استفاده کرد؟

- ۱) تصمیم درباره تولید روزانه یک کارخانه
- ۲) تصمیم درباره ایجاد یک واحد تولیدی
- ۳) تصمیم درباره خرید ماشین آلات بجای تعمیر آنها
- ۴) بهینه سازی هزینه و زمان پروژه

۲۶- تکنیک برنامه ریزی خطی (Linear programming) در کدام یک از شاخه های دانش مدیریت مورد بحث قرار میگیرد؟

- ۱) برنامه ریزی استراتژیک (۳) حسابرسی
- ۲) پژوهش در عملیات (OR) (۴) روش تحقیق

۲۷- کدام یک از مثالهای زیر مفهوم ادراک قالبی (stereotyping) را دربردارد؟

- ۱) محسن پس از چندبار برخورد با رانندگان وانتبار، نتیجه گیری کرده است که همه رانندگان وانتبار افرادی عصبانی هستند.
- ۲) بیژن از همان زمانی که علی را برای معاونت خود انتخاب کرد، فهمید که فرد ایده آل خود را پیدا کرده است.
- ۳) منوچهر علی رغم تجربیات تلخی که از اعتماد به مردم دارد. هنوز معتقد است که باید به همه اعتماد کرد.
- ۴) فرهاد آدم خوش باوری است، هرچه می شود می پذیرد.

۲۸- مبحث "شخصیت" با این فرض در کتب درسی رشته مدیریت گنجانده شده است که:

- ۱) مدیران بتوانند شخصیت کارکنان خود را تغییر دهند.
 - ۲) شخصیت هر فرد از جمله میانی و مقدمات رفتار اوست.
 - ۳) مدیران افراد "یا شخصیت" را شناخته و از آنها به خوبی استفاده کنند.
 - ۴) مدیران بتوانند شخصیت های سالم و ناسالم را از یکدیگر تشخیص دهند.
- ۲۹- کدام گزینه بیانگر برخی از اصول یا توصیه های مکتب مدیریت علمی است؟

- ۱) استخدام مادام العمر و پیشرفت تدریجی کارکنان در مشاغل از طریق کسب تجربه و ارشدیت
 - ۲) انگیزش کارکنان از طریق ارضاء نیازهای ویژه هر فرد، آموزش مستمر و رهبری قاطع
 - ۳) وضع قوانین و دستورالعملهای عام ناظر بر اختیارات و مسئولیتها، رعایت سلسله مراتب و وحدت فرماندهی
 - ۴) مطالعه زمان و روش کارها، یافتن بهترین طریق انجام کار، پرداخت مزد براساس عملکرد
- ۳۰- پیام اصلی پژوهشگرانی که مکتب روابط انسانی را بنیان نهادند، به مدیران این است که:

- ۱) پادشاهای مادی به اندازه پادشاهای معنوی در ترغیب کارکنان موثر نیست.
- ۲) در شرایط ویژه ای نیازهای اجتماعی کارکنان می تواند بر نیازهای تنی و مادی آنان سایه افکند.
- ۳) شرایط فیزیکی مناسب کار نخستین عامل مهم در انگیزش کارکنان است.
- ۴) در شرایطی که نیازهای تنی و مادی کارکنان ارضاء نشده باشد. نیازهای اجتماعی بارز نمی شود.

۳۱- کدام گزینه وجه تشابه سیستم های زیستی و اجتماعی را بیان می کند؟

- ۱) هر دو دارای مرزهای کاملاً مشخصی می باشند.
- ۲) هر دو سیستم باز تلفی میشوند و با محیط خود ارتباط دارند.
- ۳) هر دو مرکز فرماندهی دارند.
- ۴) هر دو سیستم دایمی میباشند.

۳۲- کدام گزینه محتوای مبحث مدیریت استراتژیک را به صورت خلاصه ای جامع معرفی میکند؟

- ۱) مطالعه امکان پذیری طرحهای بزرگ سرمایه گذاری و محاسبه میزان بازدهی اقتصادی و اجتماعی طرحهای مذکور
- ۲) فرآیند تعیین هدفهای بلندمدت، تعیین راه کارهای اصلی نیل به هدفها و اجرای راه کارهای مذکور
- ۳) به کارگیری و بهینه سازی مشترک نیروی کار، ماشین آلات، سرمایه و موادخام به منظور تحقق هدفهای بلندمدت و کوتاه مدت سازمان
- ۴) فرآیند مطالعه فرصت های کسب و کار و بسیج منابع جهت ایجاد یک واحد جدید تولیدی

۳۳- کدام گزینه یکی از روشهای موثر برای استقرار نظام خود کنترلی در سازمان را معرفی می کند؟

- ۱) تسویج فرهنگ سازمانی مطلوب از طریق ابزارهای جامعه پذیری (Socialization)
- ۲) مدیریت به سبک پدرانه
- ۳) اعطای پاداش در برابر عملکرد مطلوب
- ۴) تفویض اختیارات به گروههای خودگردان

۳۴- کدام گزینه مفهوم "مدیریت سیستم اطلاعات" (Management of Information System) را دربردارد؟

- ۱) تشخیص نیازها و طراحی و استقرار سیستم گردآوری، ذخیره و بهنگام سازی، پردازش، تلخیص و توزیع اطلاعات مورد نیاز.

۲) طراحی و تهیه و استقرار سیستم اطلاعاتی یک سازمان با استفاده از تسهیلات کامپیوتری

۳) تشخیص نیازهای اطلاعاتی مدیریت عالی سازمان و استقرار سیستم‌های لازم جهت دسترسی فوری (Online) به اطلاعات مذکور.

۴) طراحی سیستم‌های اطلاعاتی کامپیوتری مناسب هر یک از واحدهای سازمانی نظیر سیستم انبارداری، حسابداری و غیره

۳۵- کدام گزینه متناسب با فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک است؟

۱) برنامه‌ریزی استراتژیک از وظایف خاص عالیترین سطح مدیریت هر سازمان است. وظیفه مدیریت میانی برنامه‌ریزی عملیاتی است.

۲) برنامه‌ریزی استراتژیک از وظایف مدیریت عالی سازمانی است که می‌باید با همکاری سایر مدیران صورت می‌گیرد.

۳) برنامه‌ریزی استراتژیک از وظایف مشترک مدیریت عالی و میانی سازمان است.

۴) برنامه‌ریزی استراتژیک وظیفه اصلی و خاص مدیریت عالی سازمان است که با همکاری کارشناسان ستادی و سایر مدیران باید انجام گیرد.

۳۶- کدام گزینه می‌تواند معرف محتوای مبحث جدید "حسابداری سرمایه انسانی" (Human Capital Accounting) باشد؟

۱) عملیات حسابداری هزینه‌های نگاهداری و پرورش نیروی انسانی

۲) عملیات محاسبه ارزش سرمایه‌های تجارب و مهارت‌های انسانی و نسبت آن به دارایی‌های مادی

۳) چگونگی بهینه‌سازی هزینه نیروی انسانی در برابر هزینه سایر عوامل تولید.

۴) عملیات حسابداری هزینه‌های اجرای قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی و سایر قوانین ناظر بر روابط کار

۳۷- کدام یک از گزینه‌های زیر تعریف مناسبی از ضریب بهره‌وری نیروی انسانی به دست می‌دهد؟

۱) مقدار (فی‌المثل نفر-ساعت) نیروی انسانی برای هر واحد محصول تولید شده.

۲) نسبت سود موسسه به تعداد کل کارکنان در یک مقطع زمانی بخصوص (فی‌المثل یکسال)

۳) نسبت ساعات خالص کارکرد کارکنان به حداکثر ساعات برنامه‌ریزی شده جهت کار در یک مقطع زمانی معین

۴) کاهش تعداد کارکنان در یک مقطع زمانی یکساله در شرایط ثبات میزان تولید.

۳۸- دانش مدیریت از آن جهت یک دانش "میان-رشته‌ای" (Interdisciplinary) تعریف شده که:

۱) در غالب موارد از مفاهیم و تئوریهای دانشهای دیگر در حل مسایل مدیریت استفاده میکند.

۲) به حل مسائلی میپردازد که در قلمرو رشته‌های علمی مختلف قرار دارند.

۳) برای کسب این دانش نخست لازم است که با شاخه‌های دیگر علوم آشنا شد.

۴) از ابزارهای پژوهشی سایر رشته‌های علمی استفاده میکند.

"مفروضات ادراکی مدیر می‌تواند اساس و پایه رفتار وی در محیط کار قرار گیرد"

۳۹- مصداق گفته فوق را کدام گزینه معرفی میکند؟

۱) مدیری که خود انگیزه ندارد. نمی‌تواند در کارکنان انگیزه ایجاد کند.

۲) مدیری که با روش تحقیق علمی آشنا نیست. با سایرین به طریق سعی و خطا برخورد میکند.

۳) مدیری که با مبحث ادراک آشنا نیست. بیشتر دچار خطای ادراک اجتماعی میشود.

۴) مدیری که معتقد به تئوری X است با کارکنان رفتار رسمی و خشنی دارد. از جمله قابلیت‌های ویژه مدیر آنست که بتواند هدف‌های سازمان و نیازهای کارکنان را به نحوی موثر با یکدیگر همسو و تلفیق کند"

۴۰- بهترین مفهوم این بیانیه در زمینه برنامه‌ریزی نیروی انسانی در یک سازمان این است که:

۱) ضمن پیش‌بینی نیازهای سازمان به نیروی انسانی، به نیازهای مادی کارکنان نیز توجه شود.

۲) به دو سوال توأم پاسخ داده شود:

الف) حدود نیاز و چگونگی تامین نیروی لازم و ب) حدود و مسیر پیشرفت شغلی کارکنان

۳) بجای استخدام نیروی جدید حتی‌المقدور از شاغلین فعلی برای مشاغل بلاتصدی استفاده شود.

۴) اجازه داده شود که افراد در مشاغل مورد علاقه خود جای گیرند.

۴۱- کدام گزینه تعریف بهتری از "هنجار گروهی" (Group Norm) ارائه می‌دهد؟

۱) قراردادی است میان اعضای یک گروه مانند توافقی بر سر نحوه تقسیم انعام توسط مستخدمین یک رستوران

۲) قواعد رفتاری است که از سوی رهبر گروه اعلام و تنفیذ میشود.

۳) عنوانی است که پژوهشگران به برخی از جنبه‌های رفتار گروه داده‌اند.

۴) قواعد غیرمدون و خودجوش ناظر بر رفتار اعضاء گروه که وسیله انسجام گروه است.

۴۲- کدام گزینه مثالی نزدیکتر به مفهوم گروه از دیدگاه روانشناسی اجتماعی ارائه می‌دهد؟

۱) سرنشینان یک ناکسی شهری (در تهران)

۲) دانشجویان یکی از کلاسهای کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی در پایان دوره تحصیلی

۳) شش کارگر معدن ذغال زرنند کرمان که پانزده سال است با هم زیرزمین کار میکنند.

۴) شرکت‌کنندگان در یک تور سیاحتی- زیارتی به سوریه

۴۳- کدام یک از گروههای زیر دچار آسیب فکر گروهی (گروه‌اندیشی Groupthink) شده‌اند؟

۱) گروهی که تحت تاثیر یک نظر غالب تصمیم می‌گیرند.

۲) گروهی که در تصمیم‌گیری وقت زیادی را برای رسیدن به توافق صرف میکنند.

۳) گروهی که اعضاء آن با یکدیگر مخالفند و قادر به تصمیم‌گیری نیستند.

۴) گروهی که اعضاء آن با یکدیگر بسیار صمیمی هستند و از یکدیگر انتقاد نمیکنند.

۴۴- بر اساس تئوری کسب انگیزه موفقیت (Achievement Motivation) افراد توفیق طلب دارای خصوصیت زیر می‌باشند:

۱) هدفهایی برای خود انتخاب می‌کنند که با کوشش فوق‌العاده قابل دسترسی مینماید.

۲) هدفهایی را که نسبت به تحصیل آن یقین دارند انتخاب می‌کنند.

۳) هدفهایی انتخاب میکنند که بدانند برای دیگران قابل حصول نیست

۴) هدفهایی را انتخاب می‌کنند که در کوتاه‌مدت قابل حصول باشد.

۴۵- مفهوم "مدیریت مشارکتی" (Participative Management) اشاره به کدام گزینه دارد؟

۱) تصمیم‌گیری مشترک مدیریت و کارکنان در زمینه تمام امور سازمان

۲) تفویض برخی از اختیارات تصمیم‌گیری از سوی مدیریت عالی به سایر رده‌های مدیریت

۳) استقرار نظامی جهت دریافت پیشنهادها و نظریات کارکنان (مانند صندوق پیشنهادات) و استفاده از نظرات مذکور

۴) حالات و درجات مختلفی از همکاری کارکنان با مدیریت (اضافه بر وظایف جاری شغلی) در زمینه شناخت و چاره‌جویی مسایل سازمان و بطورکلی تصمیم‌گیری در زمینه‌های مدیریت

پاسخ سئوالات در صفحه ۸۰



نگاهی به اطلاعات مدیریت، شیوه‌های کاربرد و مراکز گوناگون آمار

مدیران، تصمیم‌گیری و فقر آماری

نگهداری اطلاعات از دو بعد، خرد و کلان مطرح است. بدین مفهوم که هر یک از بنگاه‌های اقتصادی، علاوه بر اینکه موظف به جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود هستند، وظیفه انتقال و ارائه اطلاعات مورد نیاز سازمانهای متولی جمع‌آوری اطلاعات در سطح ملی را نیز دارند. یعنی یک بنگاه اقتصادی هم مولد اطلاعات است و هم استفاده‌کننده از اطلاعات. بنابراین، هرگاه نقش خود را در تولید اطلاعات به درستی ایفا نکند، به‌هنگام استفاده از آنها، دچار مشکل خواهد شد. از سوی دیگر دولت (در قالب سازمانها و مراکز ایجاد آمار و اطلاعات) نیز، ضمن تدوین روشهای جمع‌آوری اطلاعات، باید اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز کشور کند تا مبنای برنامه‌ریزی‌های کلان قرار بگیرد. به سخن دیگر، این مهم، با همکاری و مساعدت دولت و بنگاه‌های اقتصادی امکان‌پذیر خواهد شد.

شایان ذکر است، «اطلاعات» مفهومی فراتر از «آمار» دارد و می‌تواند هم کیفی و هم کمی باشد. بنابراین، هر قدر بتوان اطلاعات را از حالت کیفی خارج کرد و در قالب اعداد و ارقام نشان داد، تحلیل‌های مبتنی بر آنها، به‌دور از هرگونه سلیقه و اعمال نظر شخصی، قابلیت اطمینان بیشتری خواهد داشت.

کاربرد صحیح آنها می‌تواند فعالیت‌های بنگاه را قرین توفیق سازند. آنچه باید مورد توجه مدیران قرار بگیرد، این نکته است که جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات امری است مهم، ولی مهمتر از آن، استفاده از اطلاعات است، زیرا هدف از گردآوری اطلاعات، نه داشتن، که به‌کارگیری آنهاست. در غیر این صورت، مدیر با مجموعه‌ای از اطلاعات روبرو خواهد بود که ناظر بر فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های وی است و نه مؤثر بر آنها. در دنیای کنونی که «عصر اطلاعات» نام گرفته است، فقدان اطلاعات و عدم استفاده از آن، بیش از آنکه تنها یک کمبود باشد، یک نقص است. بنابراین داشتن روش و نظم منطقی در گردآوری و

اطلاعات به مثابه محمل و مبنای هر نوع تصمیم‌گیری عقلایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که بدون تکیه بر اطلاعات جامع و موثق، کلیه پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر پایه حدس و گمان خواهد بود و بدیهی است در این صورت، محقق شدن آنها، بستگی تام به شانس و تصادف خواهد داشت. بدین ترتیب، آشکار می‌شود آنچه موفقیت تصمیم‌گیری‌ها را تضمین می‌کند، پیش از هر چیز دسترسی به اطلاعات، جامعیت، صحت و دقت آنهاست. مدیران، به عنوان برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران نهایی در بنگاه‌های اقتصادی، مهمترین گروه استفاده‌کننده از اطلاعات هستند که با اتکاء به اطلاعات و

نگاهی به اهمیت آمار در اداره بنگاه‌های اقتصادی

فقر آماری و سایه روشن‌های تصمیم‌گیری

* کمبود نسبی آمار موجب می‌شود تا عاملان اقتصادی بر پایه ارزیابی و شناخت نسبتاً ضعیفی عملیات خود را بنیان نهند.

نسبی است و از اینرو هنگامی که سخن از فقر آماری به میان می‌آید باید درجه نارسائی آن نیز مدنظر قرار گیرد. و دوم، تعریف بالاگویای وجود یک نظام آماری است که سازمانها و متخصصان آمار همراه با مردم (به‌عنوان موضوع آمار) در آن درگیرند. در این شرایط هرگونه کاستی یا کوتاهی در کارکرد هر یک از عناصر نظام مزبور موجب می‌شود تا نارسائی نسبی در آمار بوجود آید.

فقر آماری و سه‌حوزه اساسی

عوامل مؤثر در پیدایش فقر آماری را می‌توان در ابعاد گسترده‌ای مطرح کرد. از یک سو، مردم (به‌عنوان موضوع آمار) اهمیت ویژه‌ای دارند

کارشناس مسائل اقتصادی در مصاحبه با خبرنگار تدبیر پیرامون ابعاد گوناگون مساله فقر آماری و عوامل پیدایش آن چنین اظهار داشت: «بمنظور بیان «فقر آماری» لازم است نخست تعریفی از «آمار» داده شود. آنچه که از این مفهوم برداشت می‌شود عبارت است از «گردآوری، نظم‌دادن و تحلیل حقایق و اطلاعاتی که به‌عدد بیان شده باشد». این ارقام ممکن است مربوط به جوامع انسانی و یا پدیده‌های طبیعی باشد. هرگاه این تعریف را بپذیریم، می‌توانیم فقر آماری را چنین تعریف کنیم: «نارسائی در گردآوری، نظم‌دادن و تحلیل حقایق و اطلاعاتی که به‌عدد بیان شده‌اند». در این باره دو نکته باید یادآوری شود. نخست، این نارسائی، مطلق نیست بلکه

دست‌یابی به اطلاعات و آمار تصویری روشن و شفاف از چگونگی بنگاه‌های اقتصادی پیش‌روی برنامه‌ریزان قرار می‌دهد. در حال حاضر فقر آماری در سه حوزه مردم، دولت و رابطه بین مردم و دولت به چشم می‌خورد. در حالی که با تولید آمار مناسب، مردم امکان عمل درست‌تری خواهند داشت و دولت نیز براساس شناخت روشن و دقیق بهتر می‌تواند سیاست‌گذاری کند.

«دکتر سیاوش مریدی» استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی در گفتگو با گزارشگر ما ابعاد گوناگون مساله فقر آماری و چگونگی مقابله با این مشکل را تشریح کرد. «دکتر سیاوش مریدی» استاد دانشگاه و

چون آنها هستند که باید اطلاعات مورد نیاز را به ماموران بدهند. روشن است که مردم مزبور بر پایه یک رشته عوامل موثر مانند مسائل فرهنگی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک تمایل نسبی خود را برای انتقال اطلاعات مورد نیاز به ماموران، بروز می دهند. مسائل اجتماعی و اقتصادی و احساس امنیت هم در این زمینه نقش پراهمیتی بازی می کند. ولی از سوی دیگر، سازمان های آماری (در درون تشکیلات دولت) هم اهمیت زیادی دارند زیرا این سازمان ها هستند که ضمن تماس با مردم باید اطلاعات را بدون دستخوردگی و... تبدیل به آمار کنند. بدین لحاظ می بینیم که فقر آماری می تواند ریشه در سه حوزه داشته باشد: «یکی مردم، دوم تشکیلات دولت، و سوم رابطه بین این دو.»

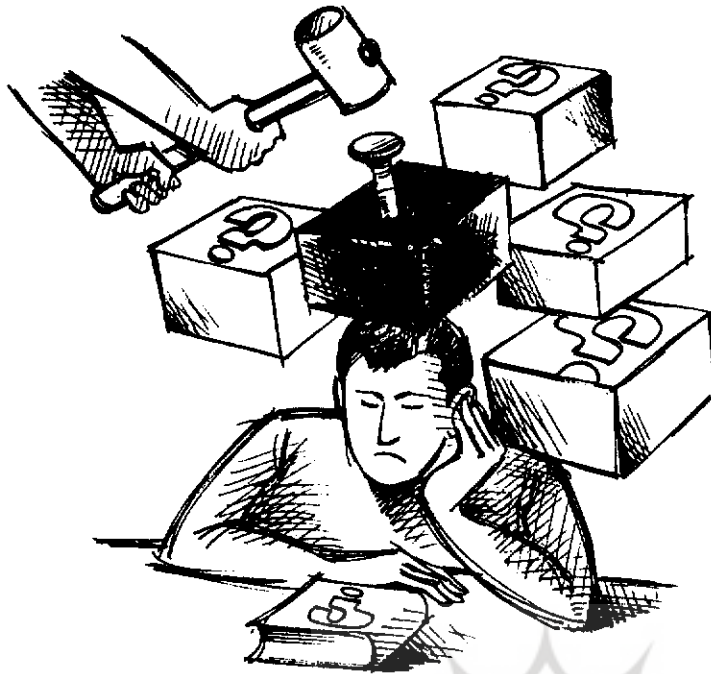
تدابیر خرد و کلان

«دکتر مریدی» درخصوص تدابیری که در سطح خرد و کلان در جهت رفع مساله فقر آماری می توان اتخاذ کرد، اظهار داشت:

«با توجه به زمینه سازی که در بالا صورت پذیرفت، می توان با شیوه هایی به برطرف کردن نسبی فقر آماری پرداخت. این شیوه ها نیز در دو سطح مطرح هستند. در یک سو مردم قرار دارند که تنها در شرایط خاصی حاضرند «اطلاعات صحیح» را در اختیار ماموران آمار قرار دهند، یعنی در شرایطی که از لحاظ فرهنگی و ایدئولوژیک احساس یگانگی خاصی با دیگر افراد جامعه و بویژه با دولت داشته باشند. در سوی دیگر دولت قرار دارد که علاوه بر انجام صادفانه تعهدات فرهنگی، ایدئولوژیک، اجتماعی و اقتصادی خود، باید وظیفه سازماندهی نظام آماری را هم برعهده گیرد. در چنین فضایی از تفاهم متقابل علاوه بر آنکه مردم منافع ملی خود را به خوبی درمی یابند، دولت نیز به آسانی می تواند اقتصاد و جامعه را سازماندهی و هدایت کند و از حجم فعالیتهای بخش غیررسمی اقتصاد بکاهد. خلاصه آنکه برای برطرف کردن فقر نسبی آماری، اقدام در زمینه سازماندهی و مدیریت دستگاههای تولیدکننده آمار (مانند تاسیس اداره، تربیت متخصص و تامین مالی سرمایه مورد نیاز) به تنهایی کافی نیست بلکه در ابعاد دیگر هم باید کار شود.»

آمار و عملکرد بنگاههای اقتصادی

تاثیر فقر آماری بر عملکرد بنگاههای



دو ویژگی دیگر نظام آماری کنونی را می توان نام برد که هر دو در راستای تضعیف جایگاه مزبور عمل می کنند:

یکی به هنگام نبودن بسیاری از آمارها و یا در حقیقت بیات بودن آنها در زمان انتشار، و دوم وضعیت شبه انحصاری در این «بازار» که موجب محروم شدن بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران از برخی آمارها می شود. بدین نظر می رسد که حتی با اصلاحات خرد می توان این مشکلات کلان را برطرف کرد.

درست و قابل استناد بودن آمارها، مقوله ای نسبی است و حتی این نکته را به یقین می توان گفت که میزان نسبی این درستی در حوزه های مختلف اقتصادی هم متفاوت است، و در هر حوزه نیز ممکن است، زیرا تاثیر سیاستهای دولت و شرایط جاری در اقتصاد، درجه توثیق تغییر کند.

بنابراین در شرایط کنونی، تحلیل گر باید با بررسی آمارهای مورد نظر شرایط زمان گردآوری و تحلیل آنها را هم در نظر بگیرد. ولی به طور کلی باید پذیرفت که درجه توفیق آمارها طی زمان افزایش یافته است بدین معنی مثلاً آمارهای سرشماری جمعیت سال ۱۳۶۵ شاید به مراتب، فراگیرتر، نظام یافته تر، و تحلیل گرانه تر از آمارهای سرشماری جمعیت سال ۱۳۳۵ باشد. و این یک گام مثبت است که دولت باید بر شتاب گیری فرایند آن تاکید ورزد.» □

اقتصادی نیز موضوع دیگری بود که دکتر مریدی پیرامون آن اظهار داشت:

باید اشاره شود که در اساس تولید آمار برای شناخت بهتر و روشن تر موضوع مورد نظر صورت می پذیرد، و روشن است این شناخت بهتر و روشن تر به ما امکان عمل درست تری را می دهند. یعنی هم دولت بر پایه این شناخت می تواند بهتر و دقیق سیاست گذاری کند و هم بنگاههای خصوصی در فضای شفاف تری می توانند دست به فعالیت بزنند. بدین ترتیب می توان گفت که کمبود نسبی آمار (و یا حتی فقدان آن) موجب می شود تا عاملان اقتصادی (اعم از دولت و بنگاهها) بر پایه ارزیابی و شناخت نسبتاً ضعیفی، عملیات خود را بنیان نهند که این نتیجه ای ضعیف و یا حتی منفی را در پی خواهد داشت.

جایگاه اطلاعات

برداشت من از تحولات چندین دهه اخیر آن است که در بستر تکامل و توسعه کشور که نیاز به اطلاعات و آمار بیشتر احساس شده، آمار و اطلاعات جایگاه مستحکمتری را در تشکیلات دولت بدست آورده است. ولی نکته اساسی در این است که این روند تکاملی برای نظام آماری کشور کند به نظر می رسد و بایسته است که دولت بیش از این در زمینه مزبور سرمایه گذاری کند و سازمان های مربوط را تقویت کند. علاوه بر این،

فقر آماری یا شیوه‌های نادرست بکارگیری اطلاعات

فعالیت‌های جاری این ارگانها به صورت جداول ارائه می‌شود.

یکی از مشکلات آماری ما مختلف بودن آمار در یک شاخص متوسط دو منبع است. مثلاً اداره ثبت واحوال، آمار کاهش جمعیتی کشور را از ۲/۲ به ۱/۷۵ اعلام می‌کند و وزارت بهداشت به علت مسئولیت‌های تنظیم خانواده عدد دیگری را ارائه می‌دهد. برای جلوگیری از تفاوت ارقام ارائه شده از سوی دو نهاد، ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر بین نهادهایی که از نظر رده شغلی در ارتباط با یکدیگرند ضروری است این نظم را نظام آماری کشور باید ایجاد و تعریف درستی از آمار ارائه کند. این تفاوت آماری بین وزارت کشاورزی با مرکز آمار و وزارت کار و مرکز آمار نیز وجود دارد. که همگی به خاطر ناهماهنگی در معانی و تعاریف

کسی بخش‌های آماری را کنترل می‌کند؟ مدیر که فرصت انجام این کار را ندارد. افراد کمی وجود دارند که در زمینه تهیه آمار تلاش می‌کنند تا آمار فراوری شود. در مرکز آمار ایران بخشی به نام بخش اطلاع‌رسانی وجود دارد که از مراکز مختلف اطلاعات می‌گیرد. پرسش این است که آیا

به‌طور بسیاری از کارشناسان تنگناهای آماری بیشتر در گستره کاربرد آمار خودنمایی می‌کند. زیرا در حال حاضر مراکز گوناگونی بویژه مرکز رسمی آمار کشور آمار فعالیت‌ها، وضعیت موجود و توان‌های بالقوه کشور را در مقاطع زمانی مختلف اعلام می‌کند. اما نظام مناسبی برای استفاده از این آمارها وجود ندارد. «دکتر محمدرضا مشکانی» استاد آمار دانشگاه شهید بهشتی به موضوع فقر آماری از دیدگاه دیگری نگاه می‌کند که در آن نظام آماری مناسب، ارتباط دوسویه، آشنایی مدیران با علم آمار و ایجاد شبکه پویای آماری بیش از همه چشمگیر است.

فقر آماری که در جامعه بسیار مطرح شده است چندان وجود ندارد و مدیران تاحدی غلو می‌کنند. این درست همانند امکانات و تجهیزات است که از کمبود آن گلابه می‌شود. اگر کمی به تعدد آماری که در جامعه وجود دارد توجه کنیم می‌بینیم از نظر آمار آفندر هم فقیر نیستیم. تنها در نحوه استفاده نادرست آن است که فقیر می‌باشیم. در دانشگاه «جورجیا» آمریکا که از سال ۱۸۵۷ میلادی تاسیس شده است دو دستگاه

میکروسکوپ الکترونی با مدل‌های قدیمی و جدید وجود دارد که قدیمی‌تر را برای تدریس و مدل جدید را برای کاربرد در دانشگاه کشاورزی استفاده می‌کنند. اما دانشگاه تهران با ۷۰ سال قدمت و تجربه تنها یک دستگاه میکروسکوپ الکترونی دارد. و وقتی از اساتید این دانشگاه درباره این میکروسکوپ پرسش می‌شود درصد بسیاری حتی نمی‌دانند که این میکروسکوپ وجود دارد چه برسد به دانستن نحوه استفاده آن. اما همیشه مطرح است که امکانات نداریم. در جامعه فعلی ما کامپیوتر وارد شده است و با کثرت کامپیوتر روبرو هستیم اما دانش استفاده درست آن در جامعه آموزش داده نشده است. در مقوله آمار نیز اینگونه است، اطلاعات وجود دارد اما علم استفاده درست از آن وجود ندارد و متأسفانه این علم شایع نشده است. در دستگاه‌های دولتی چه



مربوط به آمار است. هر وزارتخانه یا سازمان بانوجه به تعریف خاص خود آمار را تعریف کرده است.

راه کار این است که نظام آماری کشور یک سازمان سیاست‌گذار را انتخاب کند. تا این سازمان در ارتباط با سایر مراکز تعریفی واحد از آمار و نحوه آمارگیری ارائه دهد. در این راستا می‌توان

مشتریان این مرکز معلوم است؟ این آمار تا چه حد کاربرد دارد و چگونه استفاده می‌شود؟ برای آنکه عصاره اطلاعات گرفته شود باید علمی در این زمینه وجود داشته باشد. خوشبختانه مرکز آمار ایران سالنامه‌هایی با جداول ویژه انتشار می‌دهد که فکر می‌کنم برای رفع نیاز آماری جامعه مناسب باشد و مدیران می‌توانند از آن به‌خوبی بهره بگیرند. اما باز هم شایع است که فقر آماری وجود دارد. پس نیازهای مدیران در چیست؟ آیا آنها علم استفاده از این سالنامه‌ها را نمی‌دانند؟ شاید لازم باشد آنها نیازهای خود را کتباً به مرکز آمار ایران ارائه دهند تا صورت مساله بهتر تعریف شود. این کار نمی‌شود پس گناه برگردن کمبود اطلاعات و آمار انداخته می‌شود. در سالنامه‌های آماری تمامی اطلاعات از وزارتخانه‌ها، سازمانها و شرکتها گرفته می‌شود و آمارهای آموزشی، بهداشتی، امور غذایی، مسکن و آمار همه

*** باید فرهنگ آماری را بین تمامی کسانی که به‌گونه‌ای نیازمند آمار برای تصمیم‌گیری هستند ارتقاء داد.**

*** اگر مدیران ما روش‌های سنتی را کنار گذاشته و علم جدید آمار را نیز بیاموزند، می‌توانند با آمار و اعداد بهتر کار کنند.**

تقسیم وظایف کرد و با کمک همه سازمانها و وزارتخانه‌های نیازمند، آمار دقیق، پوشش مالی داده شود تا باین شیوه آمارها دقیق‌تر و اختلافات آماری حذف شوند.

آمار و شبکه ارتباطی بین مدیران

امروزه با وجود وسایل پیشرفته به خوبی می‌توان شبکه آماری مدیران را ایجاد کرد. کافی است بانک اطلاعاتی ایجاد و با به کارگیری یک تلفن و یک کامپیوتر این شبکه را در اختیار مدیران قرار داد. اما آیا مدیران می‌دانند چه نوع آماری نیاز دارند؟ آیا نهادها و مراکز فعال حاضرند آمارهای خود را به موقع به این بانک اطلاعاتی ارائه دهند تا در اختیار سایر مدیران قرار گیرد؟ یعنی آیا همه کسانی که انتظار دریافت آمار دارند آنقدر مسئول و آگاه هستند که نقش آمار را بر روند کار مدیریتی خود موثر بدانند و آنها نیز آمارهای خود را ارائه دهند؟ اگر قرار باشد به سمت لوکس‌گرایی برویم اما بدون استفاده درست و بدون آنکه مسئولانه و دلسوزانه در ارائه آمارهای به موقع امتناع ورزیده شود نه تلفن و نه دورنگار (فاکس) و نه کامپیوتر هیچ نقشی در ایجاد این شبکه آماری نخواهند داشت. می‌توان ماهواره و کامپیوترهای گران خریداری کرد ولی تفکر درست آماری نداشته باشیم. نباید فراموش کنیم که هدف مهمتر است. مدیران اگر بدانند که آمار تا چه حد در کار آنها تاثیرگذار است و می‌تواند از دوباره‌کاریها، هزینه‌های اضافی و سرگردانی‌های جاری جلوگیری به عمل آورد، دنبال آمار و علم آمارگیری خواهند رفت. سپس روشن خواهد شد که چه در اختیار دارند و چه چیزهایی را نیاز دارند. بنابراین نوعی عرضه و تقاضا در جامعه بوجود خواهد آمد. با رشد عرضه و تقاضا مساله کیفیت در ارائه آمارها نیز مطرح خواهد شد.

متولی این کار می‌تواند دولت باشد و سازمان برنامه و بودجه می‌تواند برنامه‌ریزی لازم را برای ایجاد یک نهاد فعال برای ایجاد ارتباط بین مدیران صنایع یا غیرصنعتی انجام دهد و با اختصاص بودجه لازم این امر را سرعت بخشد.

کشورهای بزرگ صنعتی موسسه‌های تحقیقاتی و پژوهشی دارند و درباره همه چیز به تحقیقات می‌پردازند راه حل ارائه می‌دهند و با برنامه‌ریزی و کمکهای دولتی شبکه‌های ارتباطی عمیقی را بوجود می‌آورند. با رشد چنین نهادی می‌توان آمار را عرضه و تقاضا کرد باین کار

آمار در آینه تاریخ

آمار (STATISTICS) در لغت به معنای شمارش است و در اصل از کلمه STATE به معنای کشور یا ایالت گرفته شده است و معمولاً هم در معنای جمع و هم در معنای مفرد به کار می‌رود. هرگاه با معنی جمع به کار رده به تعدادی از داده‌های عددی اشاره دارد و هرگاه در معنی مفرد به کار رده، منظور روشهایی علمی است که برای استخراج، اختصار و طبقه‌بندی داده‌ها جهت انجام محاسبات آماری و نتیجه‌گیری از یک تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جمع‌آوری اطلاعات کمی از جامعه، مسبق به سابقه بوده و از قرن هفدهم رواج یافته است، به طوری که در حال حاضر، بخش عمده‌ای از مطالعات و بررسی‌ها، بر پایه اطلاعات انجام می‌شود. آمار به عنوان یک علم در قالب شاخه‌ای می‌توان مدیران را تشویق به همکاری بیشتر کرد.

نقش آمار در برنامه‌ریزی و صنعت

تا اینجا صحبت از آمارها و اطلاعات نبینی و مشاهده‌ای شد. اما نوعی دیگر از آمار وجود دارد که در واقع آمارهای آزمایشی نامیده می‌شوند. این آمارها ناشی از مشارکت فعال آمارشناس و محقق آماری است. این نوع آمار در صنایع مطرح نشده است و باید به آن توجه خاص شود. این عدم توجه به خاطر این است که علم این کار مطرح نبوده است. این علم به طراحی بهینه دستگاهها و کیفیت بهینه محصولات می‌پردازد. این علم متأثر از کار فردی بنام «تاکوچی» در ژاپن است که مدتها بعد در آمریکا به صورت علم «مدیریت فراگیر» مطرح شد. در علم آمار بحث «طرح و تحلیل آزمایشی» وجود دارد. یک کارخانه به عنوان جزئی از صنعت باید این علم را در فرایند تولیدی خود جاری کند. تا افراد متخصص بتوانند به طراحی و آزمایش پردازند. این علم طرح و تحلیل آزمایشی در هیچ‌کدام از صنایع ما انطور که در تحقیقات کشاورزی جریان دارد، وجود ندارد. «تاکوچی» اعتقاد داشت حرکت آماری در صنایع از ابتدای کار تولید تا پایان کار باید جریان داشته باشد یعنی حتی قبل از آنکه محصول وارد بازار شود روی آن آزمایش و آمارهای لازم اتخاذ شود. یعنی مدیریت اجرا هر دو توأماً انجام شود.

اگر مدیران ما روشهای سنتی را کنار گذاشته و

از ریاضیات تعریف می‌شود و عبارت است از: مجموعه تئوری‌ها و روشهای علمی برای اندازه‌گیری، گردآوری، تنظیم، طبقه‌بندی، تلخیص، مدل‌سازی، نمایش داده‌ها و مشاهدات و نیز تجزیه و تحلیل و استنباط حقایق نهفته در داده‌ها.

علم آمار، نخستین بار در قرن هجدهم، تحت عنوان درس دولت‌شناسی در دانشگاهها تدریس شد. این علم طی زمان، خصوصاً چهار دهه گذشته، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد، به گونه‌ای که امروزه مورد استفاده سایر علوم قرار می‌گیرد و این امر، اجتناب‌ناپذیر شده است، زیرا، جمع‌آوری اطلاعات مربوط به گذشته، تجزیه و تحلیل، استنباط و استنتاج حقایق از آن، چراغی است فرازه برنامه‌ریزی برای آینده. نیاز به آمار و اطلاعات، خصوصاً مدیریت که ارتباطی تنگاتنگ با تصمیم‌گیری، هدف‌گذاری و ارزیابی فعالیت‌ها دارد، بیشتر احساس می‌شود.

علم جدید آمار را نیز بیاموزند می‌توانند با آمار و اعداد بهتر کار کنند سواد کمی خود را ارتقاء داده تا قادر به تجزیه و تحلیل آمارهایی که به دستشان می‌رسد باشند. اگر زبان آمارها و جداول را بشناسند وقتی آمار تولید کارخانه یا سازمانهای خود را می‌خوانند که مثلاً تولید از حد متوسط پایین‌تر رفته است تعریف درستی از «حد متوسط» داشته باشند، به کمک این شیوه است که مدیر می‌تواند روندهای بعدی را تشخیص دهد و این تشخیص او را در برنامه‌ریزی، طراحی و در نهایت در اتخاذ تصمیم‌های بزرگ و سازنده برای شرکت یاری خواهد کرد.

به‌طور کلی برای رفع مشکلات آماری نه از نظر فقیر یا غنی بودن بلکه از دیدگاه وجود علم آمار یا فقدان آن در بین مدیران بویژه مدیران صنایع، نباید به سمت لوکس‌گرایی رفت. باید دیدگاهها را تقویت کرد. باید فرهنگ آماری را بین تمامی کسانی که به گونه‌ای نیازمند آمار برای تصمیم‌گیری هستند ارتقاء داد. همه باید دلسوزانه و مسئولانه بدانند که آمار گرفتن همانقدر با ارزش است که آماردهی دقیق و به‌موقع، توقع باید دوسویه باشد. مدیران علم آمار را به خوبی بیاموزند و دولت نیز باتاسیس یک نهاد فعال و یک شبکه مرتبط به تمامی مدیران، آمار را به صورت عرضه و تقاضا درآورد تا گردش آماری در جامعه جاری و کیفیت زمانی و محتوایی آن نیز افزایش یابد. [7]

اطلاعات و آمار مراکز رسمی آمارگیری کشور به‌هنگام و به‌روز نیست. به این دلیل سده‌ای از مدیران واحدهایی که نیاز به آمار دارند، با ایجاد یک مرکز آمارگیری راساً اقدام به جمع‌آوری آمار می‌کنند. در نهایت، مراکز متعدد آمارگیری و ناهم‌خوانی تعاریف آماری، سبب ارائه ارقام مختلف در مورد یک شاخص معین می‌شود. اما آمار ابزار قضاوت و تصمیم‌گیری است و آمار نادرست فاجعه‌آمیز خواهد بود. «دکتر علیرضا امامی» استاد دانشگاه و مدیر کل برنامه‌ریزی وزارت صنایع در مورد نظام مناسب آماری کشور با گزارشگر ما به‌گفتگو نشست.

آمار و اطلاعات ابزار کار مدیر و برنامه‌ریز است. اگر مدیر یا برنامه‌ریز را از اطلاعات جدا کنیم عملاً قدرت تفکر و تصمیم را از او گرفته‌ایم. هنگامی که آمار ابزاری در دست مدیر است دیگر مهم نیست که سازمان در چه حدی باشد. از مدیران بنگاه‌های کوچک گرفته تا بنگاه‌های بزرگ و در کل کشور در هر محدوده‌ای که باید تصمیم‌گیری انجام گیرد آمار نقش بسیار مهمی دارد. اگر آمار و اطلاعات وجود نداشته باشد برنامه‌ریز یا مدیر نمی‌تواند از گذشته خود تحلیلی ارائه دهد که چه اتفاقی افتاده است. حرکت‌های سازمانی او درست بوده است یا نه؟ بنابراین براساس اطلاعات و آمار گذشته تحلیلی ارائه می‌دهد و براساس آن برای آینده خود می‌اندیشید. حتی مدیران برای آینده نیز اگر آمار و اطلاعاتی از حرکت بعضی شاخص‌ها نداشته باشد باز قادر به تصمیم‌گیری نیستند. باید با انتخاب یک سری شاخص بررسی شود که در آینده چه اتفاقی ممکن است بیفتد. این بررسی به کمک اطلاعات و آمار میسر می‌شود تا مدیر برای آینده خود تصمیم گرفته و نقش خود را پیدا کند.

قطعاً این‌گونه مسایل در بعد اقتصادی به مراتب مهمتر از ابعاد اجتماعی است چون ابعاد اجتماعی و فرهنگی اگرچه به اطلاعات و آمار نیاز دارند ولی شاخص‌های آن خیلی قابل لمس نیست در حالی که در یک بنگاه اقتصادی دقیقاً جهت حرکت کمیت اقتصادی بسیار مهم است و می‌تواند با اطلاعات برنامه‌ریزی کند.

اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی به شکل عام درباره مشکلات آماری کشور داشته باشیم، می‌توان به چند مورد مهم آن اشاره کرد. اولین نکته‌ای که از نظر تشکیلاتی مهم به نظر می‌رسد، وجود مراکز متعدد آماری کشور است. مراکز

وجود دارند که لزوماً با یک تعریف آمار را جمع‌آوری نمی‌کنند. به‌ویژه اینکه این مراکز با یکدیگر هماهنگ نیز نیستند. بطور مثال مراکز آمار با یک سری تعاریف مخصوص به خود اقدام به جمع‌آوری آمار می‌کند و این کار را بانک مرکزی نیز انجام می‌دهد. چون تعاریف این دو مرکز با یکدیگر منطبق نیستند، آماری که تحت یک سرفصل از دو مرکز آمار رسمی کشور بدست می‌آید متفاوت خواهد بود. بنابراین مدیر برنامه‌ریز نمی‌داند کدام را برای انجام کار خود انتخاب کند.

عدم هماهنگی مراکز آماری و وجود مراکز متعدد آماری یک مشکل اساسی به حساب می‌آید. مشکل بسیار مهم دیگری که وجود دارد و طی نامه‌های اول و دوم با آن روبرو بودیم به‌روز نبودن آمار است. آماری که در مراکز آماری داریم اکثراً قدیمی است. آمار مرکز آمار مربوط به دو سال گذشته است بنابراین برنامه‌ریزی که برای اقتصاد کشور برنامه‌ریزی می‌کند با مشکل روبرو

● در حال حاضر به علت به‌روز نبودن آمار، هر بنگاه و هردستگاه اجرایی برای خود مراکز آماری ایجاد کرده است.

● در کارگردآوری و کاربرد آمار برای بنگاه‌های اقتصادی، انتخاب شاخص آماری بسیار مهم است.

خواهد شد. به‌ویژه اینکه در اقتصاد مسأله لحظه‌ها مطرح است. بنابراین اگر قرار است تحلیلی از گذشته داشته باشیم باید به آمار دو سال گذشته آن توجه کنیم و اگر قرار است امروز برای فردا برنامه‌ریزی کنیم نمی‌دانیم که امروز چه اتفاقی برای آمار افتاده است.

در حال حاضر به علت به‌روز نبودن آمار هر بنگاه و هر دستگاه اجرایی برای خود مرکز آماری ایجاد کرده است. این باعث می‌شود که هر دستگاه اولاً تعاریف خود را ارائه دهد که با تعاریف دیگر هم‌خوانی ندارد و ممکن است چندین نوع آمار تهیه شود. در بعد صنعت شاخص‌هایی داریم که با همان سرفصل، وزارت کار یک عدد، بانک مرکزی یک عدد دیگر و مرکز آمار هم عددی دیگری ارائه کرده است. بنابراین مدیر برنامه‌ریز نمی‌تواند عدد و رقم واقعی را انتخاب و تصمیم‌گیری کند.

نظام مناسب آماری چگونه شکل می‌گیرد؟

مراکز متعدد آمارگیری

و جای خالی

شبکه ارتباطی مدیران

بانک مرکزی و مرکز آمار به عنوان دو مرکز رسمی، نوعی تقسیم‌بندی را انجام داده‌اند. آنها حداقل در بخش صنعت تقسیم‌بندی خود را این گونه بنا گذاشته‌اند که کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر را بانک مرکزی آمارگیری و کارگاه‌های بالاتر از ۱۰ نفر کارکن را مرکز آمار کنترل کند.

باید فاصله ۱۰ تا ۵۰ نفر کارگر طوری روشن باشد که در این آمار، شاخص‌های آماری مرکز آمار

ایران به مراتب بیشتر از بانک مرکزی باشد. در حالی که در بسیاری مواقع این اتفاق نمی‌افتد و این نشان دهنده عدم انطباق است. پس وجود مراکز متعدد آماری و به‌روز نبودن آمار دو مشکل اساسی است. اما مشکل بزرگتری در این مورد وجود دارد که مسأله همه مدیران و برنامه‌ریزان سراسر کشور است. آنها اعتقاد واقعی نسبت به عملکرد آمار ندارند و نمی‌دانند که آمار چه نقش مهمی را ایفا می‌کند. اگر به فرد بنگاه‌های تولیدی صنعتی مراجعه شود خواهید دید که درصد بسیار بالایی از دادن آمار درست سرباز می‌زنند، این روش نشانگر عدم آگاهی و عدم اعتقاد این دسته از مدیران به برنامه‌ریزی و آمار است. زیرا اگر این دسته می‌دانستند که آمار در نهایت به برنامه خوبی تبدیل می‌شود و هم برای آنها و هم برای جامعه نفع دارد و در مجموع می‌تواند بسیار مثبت باشد به خاطر بعضی دلایل از دادن آمار ابا نمی‌کردند. اگرچه هر بنگاهی در سطح جهان آمار سری خود را دارد اما یک سری آماری هم که می‌تواند به طور کلی مطرح شوند باید ارائه شود. اگر در جهت حل این مشکلات گام‌های اساسی برداشته شود این امر به بازی کردن نقش اساسی آمار در برنامه‌ریزی خواهد انجامید.

مزایا و اثرات آمار در برنامه‌ریزی

اصولاً در گردآوری و کاربرد آمار برای

بناگاههای اقتصادی، انتخاب شاخص آماری بسیار مهم است. ما ناچار هستیم شاخص‌های آماری انتخاب کنیم و به کمک آنها روند حرکت متغیرها را کنترل کنیم. انتخاب شاخص آماری به عنوان تبسج حرکت برای برنامه‌ریزی در بنگاه بسیار مهم است. اگر در آمار شاخص‌ها درست انتخاب نشوند قطعاً برنامه‌ریزی دچار مشکل خواهد شد. زیرا برای تحلیل حرکت‌ها و یافتن نقاط قوت و ضعف آینده باید برنامه‌ریزی شود. در غیراینصورت نمی‌توان روند حرکت را کنترل کرد. به عنوان مثال ما در کشور چه در حد بنگاه‌های کوچک و چه در حد کل کشور مشکل نیروی انسانی داریم. هنوز آماری که مشخص کند چه ترکیبی از تخصص‌ها در بنگاه‌های اقتصادی اعم از صف و ستاد اشتغال دارند، وجود ندارد. در هر مرکز آمار رسمی نیروی انسانی را براساس سواد طبقه‌بندی کرده‌اند.

ابتدایی، متوسط، لیسانس و دکترا، مساله مدرک و سواد البته مهم است ولی برای برنامه‌ریزی مخصوصاً در بخش صنعت حتماً باید شاخص‌های تخصصی را داشته باشیم که بدانیم چه درصدی تخصص داریم، و در چه رشته‌هایی هستند. آیا افراد با تخصص خود در جای خودشان کار می‌کنند. ترکیب کارآمدی نیروی انسانی که در جای خود قرار دارند به منظور برنامه‌ریزی شاخص بسیار مهمی است که امروز آنرا نداریم. در بخش صنعت شاخص تولید و غیرتولیدی هنوز خوب تعریف نشده است زیرا احتمال دارد هر مرکز آماری آنرا یک نوع تعریف کرده باشد. سپس باید دید که این ترکیب چگونه است و افراد متخصص ما در صنعت در کجا مشغولند آیا در تولید هستند، آیا در کارهای خدماتی مشغول به کار هستند و این بسیار کارساز است. در سفری که به ژاپن داشتم و از یک کارخانه بازدید شد، دیدیم که ۷۰ درصد مهندس دارند و ۳۰ درصد تکنسین یعنی عملاً همه آنها تخصص داشتند این نشان‌دهنده تکنولوژی بالای آنها است. اگر قرار است شاخصی ارائه دهیم که واقعاً نشان دهد نیروی انسانی ما در چه وضعی است از ارائه آن عاجز هستیم.

کاربرد آمار و مدیران صنعت

دزاین‌باره می‌توان به مسأله طبقه‌بندی آمار اشاره کرد. در حال حاضر در مراکز آماری ما یک نوع طبقه‌بندی آماری وجود دارد البته ممکن است

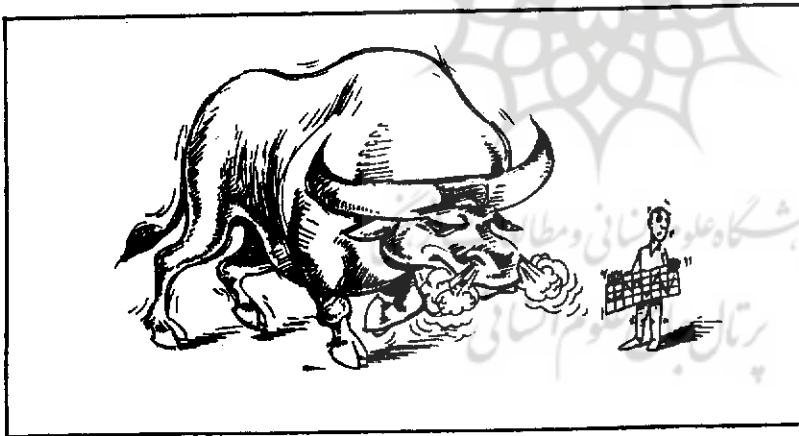
این آمار سه ماهه یا شش ماهه یا یک‌ساله باشد. در هر حال کاربرد آمار برای افراد متفاوت، مختلف است. برای تصمیم‌گیری ممکن است به آمار سه‌ماهه نیاز باشد. بعضی تصمیم‌گیرها نیاز به آمار روز دارد چون حساس‌ترند. اما در مرکز آمار هیچگونه طبقه‌بندی وجود ندارد تا مشخص شود آمارهایی که با توجه به اهمیتشان از نظر بعد زمانی باید تفکیک شوند چه ترکیبی باید داشته باشند. حتی لازم است بعضی آمار را به ساعت داشته باشیم. پس برای تحلیل روند کار مدیران تصمیم‌گیر وجود آمار دقیق از نظر بعد زمان و ماهیت آمار بسیار ضروری است.

از نظر ایجاد شبکه ارتباطی بین مدیران صنایع به نظر می‌آید این شبکه ارتباطی می‌تواند با ایجاد یک سری بانکهای اطلاعاتی تخصصی بطور غیرمستقیم ایجاد شود. چنانچه آمار طبقه‌بندی، تخصصی و تجاری شود. به هر حال اطلاعات چون کالایی است که تولید می‌شود و بابت آن نیز هزینه می‌شود و عده‌ای متقاضی آن هستند همانطور که کالا خریداری می‌شود آمار را خریداری کرده و توسط آن سود می‌برند. پس آمار

می‌کند ناچار است که آمار به‌روز به مصرف‌کنندگان ارائه دهد. همچنین چون تخصصی عمل می‌کند روز به روز به تجربه‌اش افزوده می‌شود پس کیفیت آمار نیز افزایش می‌یابد مهمتر آنکه ناچار است برای به‌روز بودن و ماندن در وضعیت کیفی، با دنیا نیز ارتباط بیشتری برقرار سازد.

در شرایط کنونی مراکز آماری موجود کشور باید دقیقاً تقسیم وظایف کنند. آمار پایه را خود بگیرند و تخصص آنرا به بانکهای اطلاعاتی بسپارند. بنابراین آمار پایه را به مراکز آمار کشور جهت رساندن به مدیران سطوح بالا ارائه دهند و زیر مسایل خرد نروند زیرا با مشکل روبرو خواهیم شد.

وقتی این تقسیم‌کار انجام شد وظایف روشن می‌شود و مدیران می‌دانند برای دریافت آمار پایه به بانک مرکزی و برای سایر آمار به مرکز آمار مراجعه کنند. بنابراین تفاوت آماری بین این دو مرکز نیز از بین خواهد رفت و به عبارتی نوعی نظم بین شبکه ارائه آماری کشور ایجاد خواهد شد. پس نظم آماری باید چنین باشد که آمار پایه



می‌تواند چون کالای تجاری باشد که خرید و فروش می‌شود. اگر این روند اقتصادی را مد نظر بگیریم، ایجاد بانکهای اطلاعاتی، تخصصی، تجاری قابل توجیه است. اگر چنین روندی اتفاق بیفتد، اولاً آن ارتباطی که باید بین بنگاه‌ها برقرار شود به کمک این شبکه ایجاد خواهد شد. زیرا وقتی مثلاً بنگاه شما از آن مرکز ارتباطی اطلاعات مورد نیاز خود را بگیرید دیگران نیز به مرکز

ارتباطی جهت دریافت اطلاعات مراجعه خواهند کرد. پس نوعی ارتباط نیز بین ما مصرف‌کنندگان اطلاعات نیز بوجود می‌آید. ضمن آن که طرف فروشنده اطلاعات چون به صورت تجاری عمل

می‌تواند طرح نظام آماری مناسب باشد و البته منظور از دولت مراکز ذیربط مانند مراکز آمار رسمی فعلی است. این مراکز مربوطه باید مشخص کنند که آمار پایه کدام است و تعریف

اجرائی خود به آمارگیری بپردازد و تضاد آماری از همین جا آغاز می‌شود.

پس باید از سوی مراکز آماری به این مشکل توجه خاصی شود و یا در نظام آماری برای آمار تخصصی بخشی هم جایی دیده شود.

مشکل بعدی خاص صنعت، عدم وجود یک سری از شاخص‌های آماری مناسب صنعتی است در صنعت و مراکز آماری رسمی کشور.

شاخص‌های مناسبی برای حرکت صنعت نداریم. اگر چه شاخص‌هایی مثل سرمایه‌گذاری سرانه یا ارزش افزوده سرانه را داریم، اما شاخص‌های تخصصی که حرکت صنعت را نشان دهد موجود نیست و کارشناسان ناچار هستند آنها را ابداع کنند.

اگر شاخص‌های عمده یا مواد اولیه وجود داشته باشد قطعاً مدیر خود برنامه‌ریزی را تحلیل خواهد کرد. عدم وجود شاخص‌های عمده در آمارهای ما نشان ضعف آمار است روی این اصل است که برنامه‌ریزی برای صنعت با مشکل روبرو شده است و به‌روز نبودن آمار نتیجه این مشکلات است. پس صادرات تولید و سرمایه‌گذاری ما را نیز مورد خدشه قرار می‌دهند!

● در شرایط کنونی مراکز آماری موجود کشور باید دقیقاً تقسیم وظایف کنند.

● آمار نوعی کالا بوده و بسیار با ارزش است. هر بنگاه که می‌خواهد توسط آمار به سوددهی برسد باید بابت آن مبالغی پرداخت کند.

در بخش صنعت هم مسایلی وجود دارد که به این فقر آماری می‌انجامد. در حال حاضر آمار صنعت درباره طرح‌های نیمه‌تمام صنعتی در مرکز آمار آن‌چنان موجود نیست.

معمولاً مراکز آمار موجود در کشور، از واحدهای در حال بهره‌برداری آمارگیری می‌کنند. بنابراین آنچه که به عنوان سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود، سرمایه‌گذاری است که به بهره‌برداری رسیده باشد. اگر این سرمایه‌گذاری انجام شود اما هنوز به مرحله تولید نرسیده باشد در مراکز آماری ما گنجانده نمی‌شود. بنابراین در آمار سرمایه‌گذاری، طرح‌های نیمه‌تمام صنعتی دقت کافی را نداریم. این باعث خواهد شد که دستگاه

درستی از آمار پایه ارائه دهند همچنین طبقه‌بندی بین مرکز آمار ایران و بانک مرکزی را از نظر آمار پایه طراحی کرده و بانک‌های تخصصی را به بخش خصوصی واگذار کنند.

آمار نوعی کالا بوده و بسیار با ارزش است. بنابراین هر بنگاه اگر می‌خواهد توسط آمار به سوددهی برسد باید درست مانند مواد اولیه بابت آن مبالغی پرداخت کند. پس این تفکر باید رشد داده شود. با ایجاد این تفکر، بنگاه‌ها شکل واقعی‌تری به خود می‌گیرند. با تقاضاهای جدید برای آمار نوعی خلاقیت و کارآفرینی نیز بین مدیران جریان خواهند یافت.

نظام این کار را دولت می‌تواند شکل دهد. مثلاً شورای عالی انفورماتیک می‌تواند در این باره کمک شایانی کند. اتفاقاً در هر دو برنامه اول و دوم توسعه، ایجاد نظام آماری مطرح شده است.

در دو برنامه اول و دوم برای برنامه‌ریزی صنعتی مشکلات زیادی داشتیم و آمار صنعت آنطور که باید مشخص نبود. خوشبختانه در دو برنامه اول و دوم تا حدی این آمار جمع‌آوری شد.



بهجویان

شرکت مهندسين مشاور

کنترل پروژه

مدیران پروژه

نیاز اساسی برای

کارشناسان با تجربه ما با استفاده از پیشرفته‌ترین نرم‌افزارهای کامپیوتری در «طراحی سیستم و اجرا» شما را در کنترل هرچه بهتر پروژه‌ها یاری می‌نمایند.

اگر می‌خواهید:

زمان

هزینه

منابع

پروژه شما کنترل شود

پروژه شما چیست؟

سندسازی

راهسازی

برج و ساختمان‌سازی

احداث کارخانه

طرح و توسعه

کنترل پروژه‌های خود را به ما بسپارید.

تلفن: ۲۵۷۴۷۸۶

آدرس: تهران - صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۷۳۳

نقش مدیران در اجرای اصول طرح‌های آمارگیری

بهره برداری‌هایی غیر از تهیه سرجمع‌های آماری صورت گیرد. کمتر کسی به مسئولیت عمومی ارائه پاسخ صحیح به پرسشگران اعتقاد دارد. سلامت تصمیم‌گیری هنگامی تضمین می‌شود که بتوانیم از ارقامی که کاملاً بیطرفانه و منطبق بر واقعیت‌ها ابراز شده، استفاده کنیم.

در اجرای یک طرح آماری اساسی‌ترین نقش را همین مدیران در موقعیت پاسخگویی به سوالات آماری ایفا می‌کنند. که گفت «این جهان کوه است و فعل ما ندا».

پیوند اطلاعات و مراکز تصمیم‌گیری

تکنولوژی امروز امکان برقراری یک شبکه ارتباطی بین مدیران را فراهم کرده است ولی سوال اساسی اینجاست که در این شبکه یا به سخن دیگر، در این ظرف چه خواهیم ریخت؟ فرض کنیم شما صاحب صنعتی باشید که فرضاً در کل کشور ۸ واحد تولیدی از آن وجود داشته باشد و شما بخواهید یک خط به خطوط تولید خودتان اضافه کنید، می‌توانید از سرجمع تولیدات ۸ واحد اطلاع حاصل کنید ولی به سبب حفظ محرمانگی آمار، هرگز اطلاعات واحد به واحد در اختیاران قرار نخواهد گرفت. این تصمیم‌گیری در سطح خرد است و اما در سطح کلان، مراجع صدور مجوزهای مربوط به همین صنعت باید اطلاعات کافی از جوانب مختلف در دست داشته باشد تا با برقراری یک گفت و شنود مبتنی بر تعقل کارشناسی، تخصیص بهینه انجام گیرد.

به هر دلیلی که اطلاعات ناقص باشد، نه صاحب صنعت در سطح خرد و نه آن مرجع صدور مجوز در سطح کلان، هیچ‌کدام قادر به تصمیم‌گیری درست نخواهند بود و یا اگر تصمیمی بر پایه اطلاعات نادرست بگیرید، معلوم نخواهد بود که این تصمیم راه صحیحی طی کند.

آمار صریح و صادق است، لفظ رمز ندارد. همه چیز را مثل یک آینه صاف و شفاف، همان‌طور که هست نشان می‌دهد. ابزاری است که علامت می‌دهد، هشدار می‌دهد، گوشزد می‌کند و در نهایت نقش و وظیفه اصلی آن، این است که چراغی باشد برای روشن کردن نقاط تاریک تصمیم‌گیری. شاید مهم‌ترین کارکرد مدیریت تصمیم‌گیری باشد و آن دسته از تصمیمات، بی‌ابهام، واقع‌گرایانه و اثربخش است که مبتنی بر آمار صحیح باشد. □

سیستم اطلاعات مدیریت برپایه فعالیت‌ها و عملکرد واقعی در داخل مجموعه بنا شود. متأسفانه سیستم‌هایی که با این عنوان برای واحدها طراحی می‌شود اغلب همراه با طراحی فرم‌های آماری جدید است که با مجموعه سازگاری لازم را پیدا نمی‌کند و در نهایت، این‌گونه سیستم‌ها کم‌ثمر می‌شود. در حالی که اگر به گونه‌ای طراحی شود که پایه گردآوری هر قلم آماری بر روی عملکرد جاری مجموعه استوار باشد، و از جانب تهیه‌کنندگان کار تحمیلی تلقی نشود، ثمره مورد نظر را به بار خواهد آورد. برای بخش دوم، یعنی کسب آمار و اطلاعات از خارج مجموعه، نیازهای مدیر دارای طیفی است که فاعداً باید مورد طبقه‌بندی قرار گیرد، هم از نظر موضوعی، هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر درجه اهمیت یا ضرورت. مرکز آمار ایران به تهیه و تولید آمارهایی که جنبه پایه‌ای و عمومی دارد می‌پردازد و متعهد است که نتایج این‌گونه طرح‌های آماری را به طرق مقتضی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد. لذا مدیر می‌تواند از مرکز اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران و یا تهیه نشریات آن و واحدهای دیگری مانند بانک اطلاعات صنعتی و وزارت صنایع، مرکز پژوهش‌های بازرگانی و... بهره‌برداری مطلوب در راستای اهداف خود، داشته باشد. مشروط برآنکه روش همواره به هنگام نگهداشتن اطلاعات و آمار در آنها، پیش‌بینی شده باشد.

این اعتقاد باید در مدیران پدید بیاید که باید آمار و اطلاعات صحیح و واقعی به شبکه آماری کشور بدهند. ایشان هنگام استفاده از شبکه آماری بالتبع، با همان نگرشی که خود به شبکه اطلاع داده‌اند، برای آمار و اطلاعات موجود در شبکه، ارزش قائلند و انتظاری جز این نباید داشت که: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

عدم آشنایی با جریان تهیه و تولید آمار موجب ایجاد نگرانی‌هایی در مدیران می‌شود و همواره این تفکر در ذهن آنان وجود دارد که از اطلاعات فردی (بنگاه اقتصاد) آنان احتمال دارد،

رابطه بین آمار و اطلاعات و مراجع تصمیم‌گیری یک رابطه دو سویه است. آمار و اطلاعات زمینه تصمیم‌گیری‌های بی‌دغدغه و بی‌دلواپسی را برای فرد تصمیم‌گیر فراهم می‌کند و از جانب دیگر تصمیم‌گیری‌های درست، موجب صیقل خوردن بستر تهیه و تولید آمار می‌شود. «علی‌اصغر تینافر» کارشناس مرکز آمار در گفتگو با گزارشگر تدبیر دیدگاه‌های خود را پیرامون چگونگی تهیه آمار دقیق و تاثیر آن در هدایت بنگاه‌های اقتصادی تشریح کرد.

موضوع فقر آماری و تاثیر آن به بنگاه‌های اقتصادی در

عین ظاهر ساده، باطن بسیار پیچیده‌ای دارد که می‌تواند سرآغاز یک بحث ریشه‌ای در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی باشد. در هر صورت، اولاً اعتقاد چندانی به این پیش فرض که با فقر آماری روبرو هستیم، ندارم. در عین حال باید گفت، که در پاره‌ای از زمینه‌ها با کمبودهایی مواجه‌ایم که به فقر آماری تعبیر نمی‌شود. شاید فقدان یک شناخت دقیق از آمار و کاربردهای آن را بتوان یک مساله محوری تلقی کرد. در این زمینه نشانه‌هایی وجود دارد که در وضعیت سخت مالی، مدیران بنگاه‌ها غالباً حذف فعالیت‌های آماری را در جهت صرفه‌جویی‌هایی که می‌تواند انجام گیرد، می‌نگرند که نشانگر آن است که به نقش کلیدی آمار کمتر توجه دارند. ثانیاً به نظر می‌رسد بنگاه اقتصادی، با وجود تعریف کلاسیک، باید در مجموعه ارزش‌های اجتماعی ما مجدداً تعریف شود.

نیازهای آماری مدیران

نیاز آماری هر مدیر به دو بخش متمایز تقسیم می‌شود:
اول: نیازهای آماری که بایستی از داخل مجموعه خود- بنگاه اقتصادی- تامین کند.
دوم: نیازهای آماری که باید از خارج مجموعه خود تحصیل نماید.
برای رفع نیازهای بخش اول، لازم است

نگاهی نوبه ناوابستگی و چشم انداز

صنعت و دانشگاه



در اولین همایش صنعت و دانشگاه که به همت دانشگاه آزاد اسلامی استان سمنان برگزار شد، مهندس احمد منصوری «ناوابستگی» (خودکفایی) و رابطه صنعت و دانشگاه را با طرح دیدگاههای نو مورد بررسی قرار داد.

مهندس منصوری اظهارات خود را با یک مثال عینی آغاز کرد و گفت:

شاید بدانید که تولید انبوه نوعی «پیل» یا باتری آفتابی را در کشور داریم در کارخانه‌ای در یزد، برای شرکت مخابرات، یعنی دستگاههای مخابراتی در کوه و کمر. این پیل‌ها، نور را تبدیل به برق می‌کنند. تکنولوژی تولید در این کارخانه را خریداریه‌ایم، و دیگر فقط ماده اولیه‌اش را که پولک‌های بلور خاصی است وارد می‌کنیم و از آنها باتری آفتابی می‌سازیم. این کارخانه تمام نیازهای شرکت مخابرات را برآورده می‌کند و احیاناً مقداری هم اضافه می‌آورد و به کمک این مقدار اضافه، برای روستاهایی به عنوان نمونه «نیروگاه برق آفتابی» فراهم شده است. بنابراین آیا در ساخت باتری آفتابی «خودکفا» یا «ناوابسته» شده‌ایم؟ اگر فکر می‌کنیم نشده‌ایم، چرا؟ بسیاری از ما ممکن است خیال کنیم پاسخ این است: «زیرا ماده اولیه‌اش را هنوز وارد می‌کنیم»، ولی آیا دلیل، فقط این است؟ مگر ژاپن و انگلیس و آلمان این همه ماده اولیه وارد نمی‌کنند؟

حالا فرض کنیم معجزه‌ای اتفاق افتاده و ما که در یک کشور پرافتخار زندگی می‌کنیم و در ابرویترین مناطق کشورمان هر سال بیش از ۲۷۰ روز آفتاب داریم، سر عقل آمده‌ایم و دیگر نمی‌خواهیم با هزینه گزاف، نفت خام یا گاز ترش را از زیر زمین درآوریم و در پالایشگاههای گران از آن بنزین یا گاز شیرین بگیریم و با هزینه گران به پمپ‌های بنزین یا گاز برسانیم و پول بدهیم و آن بنزین را در ماشین‌هایمان بریزیم و با دودش هوا را آلوده کنیم و در کنارش پول بدهیم و بیمارستان بسازیم و دانشکده پزشکی بسازیم و پزشک تربیت کنیم تا در آن بیمارستانها یا در مطب خودش از ما پول بگیرد و بیماریهای تنفسی و

عصبی و غیره ناشی از آلودگی هوا را در ما درمان کند. بلکه می‌خواهیم سوار اتومبیل آفتابی شویم که سوخت و خرج سوخت و آلودگی نداشته باشد و به جای آن از پیل آفتابی و آفتاب رایگان استفاده کند؛ یا می‌خواهیم در خانه‌مان بام و دیوارهای روبه قبله پوشیده از پیل آفتابی باشد تا از آفتاب برق بگیرد و در باتری‌های معمولی ذخیره کند و ما به جای گاز یا گازوئیل یا برق شبکه سراسری، از آن برق آفتابی استفاده کنیم؛ در عوض از سرمایه‌گذاری سنگین در ساخت نیروگاهها و شبکه برق‌رسانی بکاهیم و هوا را هم تمیزتر کنیم. در هر حال، به مقدار زیادی پیل آفتابی نیاز داریم و می‌خواهیم تولید آن را توسعه دهیم. برای رسیدن به این هدف، آیا از روی کارخانه‌ای که داریم و تکنولوژی آن مال چندین سال قبل است چنداناً دیگر بسازیم و شروع کنیم به وارد کردن پولک‌های ماده اولیه به میزانی انبوه‌تر؟ یا آیا آخرین تکنولوژی را هم به هر قیمت بخریم و ماده اولیه مربوط را که شاید نوعی دیگر باشد به مقیاس انبوه‌تر وارد کنیم؟ همه حس می‌کنیم این از وابستگی نمی‌کاهد، درست است؟ اگر بخواهیم خودمان مسأله را حل کنیم به چه چیزهایی احتیاج خواهیم داشت؟ به‌طور خلاصه به این چیزها:

دانش:

- دانشهای پایه مانند فیزیک حالت جامد، بلورشناسی، برق و مغناطیس...

- دانشهای ویژه کشوری: چه معادن و مصالحی برای مواد اولیه این رشته در کشور وجود دارد؟ با چه قیمت‌هایی؟ تکنولوژی موجود ساخت در کشور (یزد) چیست؟ ضعفهای آن کدام است؟

- دانشهای جهانی: در جهان چه تکنولوژی‌هایی برای این رشته وجود دارد؟ چه استانداردهایی برای فرآیند تولید و برای فرآورده‌های حاصل، از آن (یعنی پیل آفتابی) تعیین یا پذیرفته شده است؟

بینش:

- بینش در طی تجربه عملی طولانی به‌دست می‌آید. حداقل، به بینش‌های دست‌اندرکاران

کارخانه تولیدی موجود در کشور نیاز هست؛ همچنین به بینش کسانی که احیاناً تجربه کار در تولید پیل آفتابی در جای دیگری از دنیا را دارند. اضافه بر آن، در میان مجریان این پروژه باید کسانی هم باشند که یا تجربه عملی در مورد طراحی تولید صنعتی را داشته باشند یا بتوانند از این نوع افراد استفاده کنند.

روش:

- روشهایی برای گردآوری و نگه‌داری و دستیابی اطلاعات، روشهایی برای تحلیل و ارزیابی اطلاعات، روشهایی برای مطالعه و انتخاب فرآیند ساخت، روشهایی برای مطالعه و انتخاب مواد اولیه و نسبت تکنولوژی خودی و تکنولوژی وارداتی، روشهایی برای برنامه‌ریزی همه این پژوهش‌ها...

مهارت‌ها:

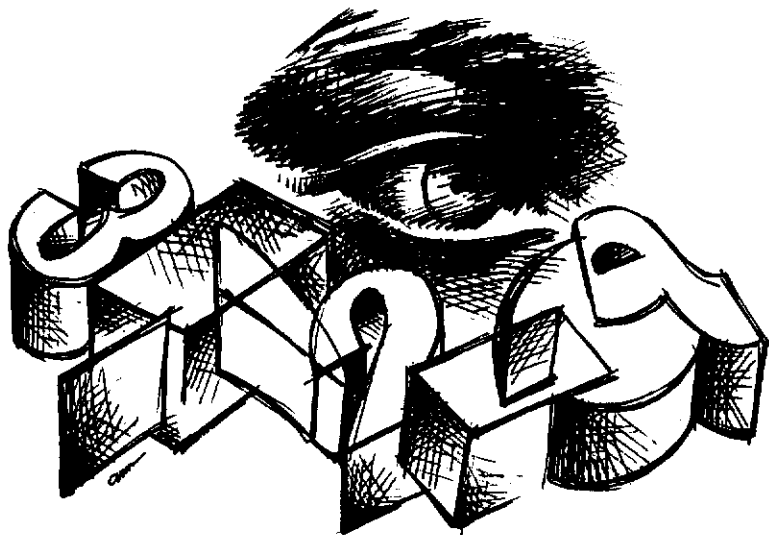
- افرادی که بتوانند کارهای مختلف را اجرا کنند: بازاریان، آمارگر، تحلیل‌گر آمار، مهندس صنایع، مهندس مکانیک، مهندس برق، فیزیکدان، تکنیسین کارآگاهی، تکنیسین آزمایشگاهی، طراح صنعتی، برنامه‌ریز...

ابزار:

- اعم از سخت‌افزار، نرم‌افزار، ماشین‌ابزار و ابزار معمولی، و نیز شابلون و مقر و قالب و جیگ و نوار نقاله و غیره، در مراحل مختلف پژوهش و تکوین و تولید مدیریت:

- مدیریت خاص پروژه‌ای پژوهشی است که جنبه‌هایی متنوع از این قبیل داشته باشد لازم است. محصول این پژوهش یک چیز است: طرحی برای فرآیند تولید انبوه پیل آفتابی با شرح جزئیات کامل تکنولوژی و مراحل آن و احیاناً پیش‌نمونه عملی برخی از ابزارهایی که عملاً در تولید انبوه پیل آفتابی به کار می‌رود و احیاناً در دنیا منحصر به فرد است.

- به هر حال، پژوهشگران مربوط، بر اجرای طرح هم نظارت دارند تا کارخانه به تولید آزمایشی و بعد به تولید انبوه برسد. قاعدتاً این



برنامه داریم. این در آینده نه چندان دور که با افزایش جمعیت جهان، تولید غذا از ستونهای اصلی ناوابستگی خواهد شد (و اکنون هم کمابیش هست)، برنامه‌ای است استراتژیک. ضمناً کشاورزان سنتی ما هم هنوز ابداعاتی دارند، ولی به مقیاس وسیع نیست و به نحو علمی و نظام‌مند ثبت و بهره‌برداری نمی‌شود.

- دانشگاه‌های ما هم به‌شدت وابسته‌اند و وابسته‌پرور، زیرا تقریباً فقط علم دیگران را به مصرف‌کننده ایرانی یاد می‌دهند؛ و اندکی ناچیز هم از تکنولوژی دیگران را به مصرف‌کننده ایرانی یاد می‌دهند. در واقع ما هنوز در دانشگاه‌هایمان تقریباً فقط مصرف‌کننده برای علم و تکنولوژی دیگران تربیت می‌کنیم.

- در تعریف ناوابستگی، از «تولید» علم و فن حرف زدیم. یعنی علم و فن خودشان «کالا» هستند. پس تولیدشان تکنولوژی می‌خواهد. یعنی هم «تولید علم» تکنولوژی می‌طلبد، و هم «تولید تکنولوژی» تکنولوژی می‌طلبد (علم را هم که در تعریفش می‌طلبید: از «مجموعه دانشها، بینشها، روشها، مهارتها، ابزار و مدیریت لازم برای تولید»، اولی‌اش دانشهاست یعنی علم).

- علم در چه فرآیندی تولید می‌شود؟ در فرآیند پژوهش محض. تکنولوژی در چه فرآیندی تولید می‌شود؟ در فرآیند پژوهش کاربردی. مثالهایی از پژوهش محض: تعیین اینکه دایناسورها کسی و چگونه نابود شدند؛ ایجاد ریاضی فضاها (که بعدی (که زمانی پژوهش محض بود)؛ اندازه‌گیری توزیع دما در عالم با دقت بیش از یک میلیونیم درجه

- می‌گوییم «پژوهش محض» یک تکنولوژی است، زیرا احاطه بر دانشهای قبل را می‌خواهد، بینش‌هایی می‌خواهد، روشهایی می‌خواهد، مهارتهایی می‌خواهد، ابزارهایی می‌خواهد (مثلاً از مداد و کاغذ در ریاضیات محض گرفته تا سفینه هابل در کیهان‌شناسی و شتابگرهای ابررسانایی در فیزیک نظری)، و مدیریت می‌خواهد. بله، پژوهش محض هم «مدیریت پژوهش» می‌خواهد. هرکدام از این ۶ مؤلفه که نباشد، یا آنی که باید باشد نباشد، محصول فعالیت، یعنی «کالا»ی تولیدی پژوهش محض، یعنی علم، لنگ است.

پژوهش محض معمولاً یک مفهوم و پدیده دانشگاهی است، یا چنین تلقی می‌شود. اما مفهوم‌هایی مثل مهارت، ابزار، مدیریت، معمولاً برای ما بیرون دانشگاهی است و با کار و فعالیت

- با این تعریف، همه کشورهای دنیا به نسبت تولید علم و تکنولوژی‌شان ناوابسته‌اند، و به نسبت علم و تکنولوژی که از دیگران می‌گیرند و مصرف می‌کنند، وابسته‌اند. و این، مفهوم وابستگی یا ناوابستگی را نسبی می‌کند که واقع‌بینانه است. مثلاً هنگ‌کنگ و سنگاپور و تایوان و کره، و حتی غولی مانند چین، از آلمان و ژاپن وابسته‌ترند و از ایران ناوابسته‌تر.

- با گذر هر کشور از تولید و صدور کالا به تولید و صدور علم و تکنولوژی، جهشی کیفی در مسیر حرکت از وابستگی به ناوابستگی روی می‌دهد. کشور ما در آستانه این جهش قرار گرفته است هرچند فعلاً جهشی اندک.

تکنولوژی چیست؟ تعریف‌ها مختلف است. ما فکر می‌کنیم کلمه‌بندی تعریف زیر کارساز است و لازم است با همین کلمه‌بندی به تکنولوژی فکر کنیم:

مجموعه دانشها، بینشها، روشها، مهارتها، ابزار و مدیریت لازم برای تولید (تولید به‌طور عام، یا تولید یک کالا به‌طور خاص)

تحلیل:

با این دو تعریف، متأسفانه ما که از کهن‌ترین کشورهای جهان هستیم، در هیچ رشته‌ای خودکفا یا ناوابسته نیستیم جز در فرش.

- حتی با این که از خاستگاههای کشاورزی در حیات بشر بوده‌ایم، اکنون در کشاورزی امروزی مصرف‌کننده علم و فن دیگران هستیم، و وابسته. البته خوشبختانه در کشاورزی مقداری هم تولید علم، و اخیراً تولید فن، می‌کنیم و از این لحاظ

پژوهشگران بخشی را هم در طرح خود پیش‌بینی کرده‌اند به نام بخش «پژوهش و تکوین» (یا به قول بعضی‌ها «تحقیق و توسعه») تا محصولات کارخانه را به‌روز نگه دارد، از چه طریق؟ از طریق به‌روز نگه داشتن مجموعه دانشها، بینشها، روشها، مهارتها، ابزار و مدیریت لازم برای تولید. حالا می‌توانیم حس کنیم که اگر همه این عوامل را فراهم آوریم، چه‌بسا خودمان به ایجاد تکنولوژی ساخت پیل آفتابی موفق شویم، ولو بعضی از دانشهای مربوط را از منابع خارجی بگیریم و بعضی دستگاهها و ابزارها را هم از خارج بخریم. و اگر موفق شدیم، آیا ناوابسته‌تر یا «خودکفاتر» نشده‌ایم؟

۱ - ناوابستگی (خودکفایی) چیست؟ ما فکر می‌کنیم در دنیای امروز، تعریف واقع‌بینانه ناوابستگی این است:

مصرف‌کننده صرف علم و فن دیگران نبوده، بلکه علم و فن نو و اصیل تولیدکردن و علم و فن خود را، و محصولات آن را که کالا و خدمات است، با دیگران مبادله کردن.

تحلیل:

- محور تعریف، تولید یا مصرف علم و فن (تکنولوژی) است نه کالا. مثلاً چین و هنگ‌کنگ و سنگاپور و تایوان و کره، تولید و صدور کالا‌شان خیلی بالاست، ولی به‌خاطر علم و تکنولوژی وارداتی‌شان، نمی‌گوییم به کلی «ناوابسته» هستند. ژاپن و آلمان و سوئد و کل اروپای غربی، حجم عظیمی کالای مصرفی و مواد اولیه وارد می‌کنند، ولی اصطلاحاً نمی‌گوییم «وابسته‌اند».

سمینار بررسی

نرم افزارهای

مالی - اداری

سمینار بررسی نرم افزارهای مالی - اداری

روز بیست و هشتم آذرماه در تالار اجتماعات

سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد.

در این سمینار که به ابتکار شرکت پانیران

(پایگاه نرم افزاری ایران) تشکیل شد پیرامون

نرم افزارهای مالی، اموال، انبار، فروش، حضور

و غیاب امور پرسنلی و حقوق و دستمزد به ترتیب

توسط نمایندگان شرکتهای رایورز، سینا، سمیا

سیستم، همکاران سیستم، مشاورین پارس

سیستم و نماد ایران گفتگو و بحث شد.

موضوعهایی که بیشتر مورد تاکید سخنرانان

قرار گرفت عبارت بود از:

۱ - به مقاصبان توصیه شد در انتخاب

سیستمهای مورد نیاز در ابزارهای تکنولوژی

اطلاعات به یکبارگی نرم افزارها توجه

کلیون تری معطوف نمایند.

۲ - بسته نرم افزاری از پیش نوشته (PACKAGE)

بسیار تعریف شد.

۳ - بهای نرم افزاری براساس اصول شناخته شده

بسیار تعریف شد. عادت های ضوابط عمومی تر از

بهبود پیش فرض ها و تجربیات عدهای به عنوان

طراحان سیستم، طراحی و تولید می شود.

۴ - مفهوم گسترش نرم افزار براساس خواست های

خدمات استفاده کننده مورد بررسی قرار گرفت.

۵ - مباحث، پایدها و منطق طراحی همریک از

سیستمها برشمرده شد.

۶ - اینکه استفاده کنندگان از نرم افزارها خود را

توانند به تولید نرم افزارهای مورد نیاز بکنند

بسیار تعریف شد و در دنیای تخصصی امروز

تاریخ این گونه نگرش ها به پایان رسیده و

مشکلات متعددی به دنبال خواهد داشت. در

این این سمینار که با استقبال علاقمندان مواجه

شد شرکت کنندگان ضمن بازدید از نمایشگاه

محصولات نرم افزاری کامپیوتری، نسبت به

رومندی بیشتر از تکنولوژی اطلاعات تاکید

نمودند.

«صنعت» به شمار می آید ولی ساختمان سازی و جاده سازی و سدسازی شاید نه، زیرا سد و جاده را کسی «کالا» تلقی نمی کند، ولی خانه یک کالا است و جسم دارد و خرید و فروش می شود، پس قاعدتاً خانه سازی صنعت است. اولین چیزی که صنعت می طلبد تکنولوژی است، همان مجموعه دانشها، روشها، بینشها، مهارتها، ابزار و مدیریت. خدمات هم تکنولوژی می طلبد (ولی مجموعه دیگری از دانشها، روشها، بینشها...)، معدن هم همینطور، کشاورزی هم همینطور، آموزش هم همینطور، آموزش عالی و دانشگاهها هم همینطور.

- گفتیم اولین مؤلفه تکنولوژی چیست؟ دانش، که نزد دانشگاههاست. تکنولوژی برای مؤلفه های دیگر خود مانند پاره ای از روشها و مهارتها و مدیریت نیز نیازمند دانشگاه است. به تبع تکنولوژی، صنعت هم نیازمند دانشگاههاست. و گفتیم دانشگاهها هم، مثل هر بخش اجتماعی دیگر، برای تولید دانش به چه نیاز دارند؟ به تکنولوژی. اضافه بر آن، دانشگاهها برای تولید دانش به میدان عمل نیاز دارند. و میدان عمل چه در حوزه پژوهش محض و چه در حوزه پژوهش کاربردی، در خارج از دانشگاههاست، از جمله و به ویژه در صنعت.

- اما این که دانشگاه بیاید به صنعتگر بگوید: «این کار را چنین انجام بده و این روش یا فن یا تکنولوژی را برای این کار اتخاذ کن چون من در کتابهایی که از خارج می آید خوانده ام یا در ژاپن چنین می کنند»، ضمن این که خوب و لازم است، نمی شود «رابطه صنعت و دانشگاه برای تولید علم و تکنولوژی»، بلکه می شود «اشاعه مصرف تکنولوژی دیگران توسط دانشگاه»، یعنی اشاعه و ابستگی. اما اگر دانشگاه بگوید «در ژاپن این کار را چنین می کنند، حالا بیایید ببینیم در محیط ایران، در محیط سمنان و در چارودیواری شما چطور می توان بهترش کرد» این می شود همکاری برای تولید تکنولوژی، یعنی حرکت به سمت ناوابستگی. «محیط» مهم است چون با مهندسی و تعریف آن مماس می شود. مهندسی را چنین تعریف می کنیم:

انتخاب و کاربرد علم و تکنولوژی برای ساخت چیزی معین یا تولید کالا یا خدماتی معین در محیطی معین به نحو باصرفه.

تولیدی در دیگر بخشهای اقتصاد، از جمله صنعت، تداعی دارد. البته می دانیم که پژوهش محض لازم نیست حتماً در دانشگاه انجام شود، ولی ضمناً می دانیم که در کشورهایی که پژوهش محض دارند، عمده اش در دانشگاهها یا وابسته به دانشگاههاست. اصلاً به خاطر بودجه ای که پژوهش محض می طلبد و نتیجه کاربردی فوری هم ندارد، جز این نمی تواند باشد. به خصوص در کشورهای در حال توسعه، اما چون فرایند پژوهش محض، خودش یک تکنولوژی است، نمی تواند مستقل از بخش تولیدکننده تکنولوژی در کشور یا بگیرد، و محصولی به نام علم را در مقیاسی قابل ملاحظه و چاره ساز و استقلال بخش تولید کند. پراکنده کاری، شاید بتواند بکند.

- چند مثال از پژوهش کاربردی: تکوین و اکسن ایدز، کاهش بیماری گواتر در شمال ایران، پیشگیری از نابودی جنگل ها، اندازه گیری کیفیت تحصیل در دانشگاههای ایران (اینها پژوهش کاربردی خدماتی است)؛ رساندن پیل آنتابی به تولید انبوه (که مثال مقدمه مان بود)، تکوین مصالح و روشهایی تازه و متناسب با محیط برای تولید مسکن ارزان، ساخت رایانه های ارزان برای همه (اینها پژوهش کاربردی صنعتی است)؛ کاهش ضایعات نان در تولید و در مصرف (این

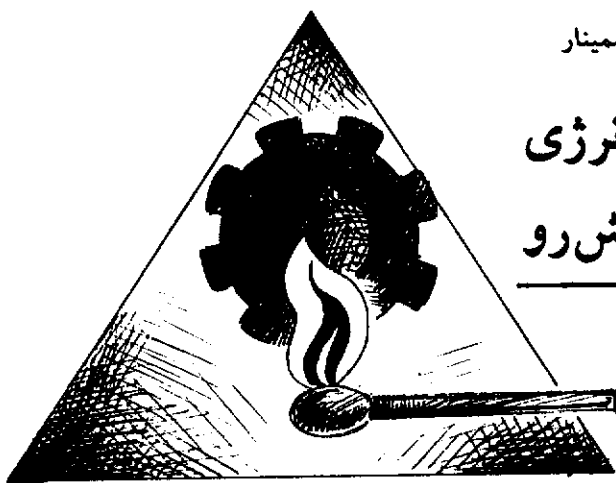
یک پژوهش صنعتی - خدماتی است).

می گوییم «پژوهش کاربردی» هم یک تکنولوژی است؛ زیرا باز همه ۶ مؤلفه تعریف تکنولوژی را می خواهد. یعنی همان طور که در مقدمه دیدیم، مجموعه ای از دانشها را می خواهد، بینش می خواهد، روش می خواهد، مهارت های می خواهد، ابزار می خواهد و مدیریت می خواهد. اگر اینها در آن نباشد، یا چنان که باید نباشد، محصول آن که یک تکنولوژی جدید خواهد بود، می لنگد.

- گفتیم ما فقط در صنعت فرش دست بافت ناوابسته ایم. تعریف صنعت چیست و فرقی با تکنولوژی چیست؟ صنعت عبارتست از:

نهاد یا مجموعه ای از نهادها که به تولید کالایی مشغولند که در طبیعت یافت نمی شود یا مستقیماً از آن به عمل نمی آید.

(بر خلاف کشاورزی و معدن، که مستقیماً از طبیعت برداشت می کنند، یا خدمات که محصولشان کالای جسم دار نیست، بگذریم که مرز خدمات و صنعت کمی تار و مبهم شده است و از «صنعت جهانگردی» و «صنعت بیمه» و غیره هم صحبت می کنند، یا تولید مصالح جزو



گزارشی از یک سمینار

مدیریت انرژی و جهان پیش رو

مدیریت انرژی سابقه‌ای چندان طولانی نداشته و ایده آن به اوایل دهه ۱۹۷۰ و در واقع به زمان افزایش شدید قیمت نفت خام در سال ۱۹۷۳ باز می‌گردد. قبل از آن چون انرژی ارزان بود این مسأله از اهمیت چندانی برخوردار نبود. در گام‌های نخست وظیفه و هدف اولیه مدیریت انرژی، مقابله با مسأله قیمت انرژی از طریق کاهش میزان مصرف بود. اکنون سالهاست با پدید آمدن مسائل دیگر وظیفه مدیریت انرژی گسترده تر شده است.

«مدیریت انرژی در کارخانه» عنوان سمیناری است که در تاریخ ۲۲ آذرماه سال جاری توسط «دکتر محمد سیدحسینی» در محل سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد. به گزارش خبرنگار تدبیر «دکتر سید حسینی» ابتدا پیرامون وظایف کنونی مدیریت انرژی اظهار داشت:

«هدف مدیریت انرژی در سطح جهان شامل موارد زیر می‌شود:

- مقابله با قیمت انرژی و کاهش سهم هزینه انرژی در قیمت تمام شده محصولات

- مقابله با آلودگی‌های زیست محیطی

- کمک به امنیت عرضه و در واقع کمک به امنیت ملی

- کمک به گسترش همه ذخایر انرژی و کمک به پایداری توسعه اقتصادی.

اکنون تردیدی نیست که چنانچه مصرف انرژی‌های اولیه در کشور با روند و الگوی کنونی ادامه یابد، طولی نخواهد کشید که نگهداشت

سطح صادرات نفت، و ارزآوری از این طریق، با مشکل جدی مواجه خواهد شد. ادامه این روند به نوبه خود می‌تواند در موقعیت کشور در بازار جهانی انرژی و حتی در مناسبات خارجی آثاری ناخواسته و منفی به جای گذارد.

ذخایر انرژی جهان و به ویژه نفت، ذخایری استراتژیک به شمار می‌آیند که گسترش دوام آن‌ها بی‌تردید به تفاهات متقابل بین کشورها می‌افزاید و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین اهمیت

صرفه‌جویی در مصرف انرژی ناشی از ضرورت‌های غیرقابل انکار اقتصادی، ملی و استراتژیک است. علاوه بر این و در بعد داخلی

اکنون به دلایل مختلف، بیش از هر زمان دیگر نیازمند تاکید و پیگیری سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی هستیم. مهمترین این عوامل

شامل کاهش سوپسیدها، کاهش کسری بودجه، کاهش واردات نفتی، افزایش عمر ذخایر، کاهش

حجم سرمایه‌گذارها، بهبود ضریب سرمایه به تولید، ایجاد توازن در مصرف حامل‌های انرژی، حفظ توان صادرات نفت خام و فرآورده، نگهداشت سطح درآمدهای ارزی، حفظ و استمرار سطحی مناسب از زندگی و بالاخره کاهش آلودگی‌های زیست محیطی است. شاید تذکر چند نکته دیگر بتواند ضرورت تسریع در مهار رشد انرژی و به ویژه در صنعت را بهتر نشان داده و در عین حال اهمیت موضوع را بیشتر نمایان سازد. برای مثال اکنون در کشور ما شدت انرژی بیش از ۲ برابر ترکیه و هند و برزیل و بیش از ۸ برابر آلمان و ۱۰ برابر ژاپن است. در صنایع ما انرژی‌بری به ازای واحد تولید ۲ تا ۳ برابر تجربه‌های کشورهای پیشرفته‌تر است. مجموعه این نکات موجب شده که سرانه مصرف انرژی در ایران به حدود ۹ بشکه معادل نفت خام برسد که در قیاس با حجم اقتصاد کشور شگفت‌انگیز است.

از سوی دیگر چنانچه روند کنونی مصرف انرژی‌ها در حد سالانه ۵ درصد مهار شود، کشور در یک دوره ده‌ساله خواهد توانست به قیمت‌های امروز حدود ۲۷ میلیارد دلار در برداشت از ذخایر نفت و ۱۲ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی و میلیاردها تومان در سوپسیدها

صرفه‌جویی کند و همزمان صرفه‌جویی‌های بدست آمده را به بخشهای دیگر اقتصادی و گسترش آموزش و بهداشت و رفاه اختصاص دهد. از دیگر مزایای صرفه‌جویی در مصرف انرژی فراهم ساختن فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال در بخش خصوصی است. چنان که بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذارها تنها نیازمند منابع ریالی است. فرصت‌های اشتغالی که این سرمایه‌گذاری‌ها فراهم خواهند کرد بی‌تردید آثار مثبتی در جهت بکارگیری جمعیت بیکار و حتی بیکاران غیرماهر و نیمه‌ماهر به جای خواهد گذارد. در اثر اعمال صرفه‌جویی در مصرف انرژی و مهارشدن آن محیط‌زیست نیز به طور نسبی بهبود خواهد یافت.

وظایف پیش‌روی مدیریت انرژی

وظایف مدیریت انرژی در صنایع در رهیافت‌های ساختاری خلاصه می‌شود. این رهیافت‌ها در هفت مرحله خلاصه می‌شود. مرحله اول شامل انتخاب مدیر انرژی است. در مرحله دوم شناخت واقعیت‌ها مدنظر می‌باشد. اینکه چه چیز مصرف می‌شود، چقدر هزینه می‌شود و چه وقت مصرف می‌شود. در مرحله سوم قیمت‌ها و نرخ‌های انرژی پرداختی موردنظر می‌باشد. برای مثال اینکه در ساعت پیک چه نرخی برای مصرف برق پرداخته شود.

در مرحله چهارم عملکرد کارخانه با عملکرد سایر کارخانه‌های مشابه از نظر مصرف انرژی در بخشهای گرمایش فضا، ماشین‌آلات تولیدی و تاسیسات، روشنایی، حمل و نقل، دیگها و کوره‌ها و کمپرسورها مقایسه می‌شود. مرحله پنجم دربرگیرنده بررسی فراگیر و دقیق انرژی مصرفی در

*** در اسکاتلند با وجودیکه تابش آفتاب به‌طور متوسط بیش از چهار ساعت در روز نمی‌باشد برنامه نصب آبگرمکن‌های آفتابی در سقف‌های منازل انجام شده است.**

ساختمانها، سیستم گرمایش و سرمایش و تهویه، عایق‌بندی سقف و دیوارها است.

در مرحله ششم برنامه‌های اجرایی برای کاربرد ممیزی انرژی به‌عنوان اقدامی مستمر، توزیع اطلاعات انرژی و روشهای صرفه‌جویی در انرژی بین پرسنل، انجام عملیات فوری کوتاه‌مدت صرفه‌جویی، بهبود گسترده وضعیت مصرف انرژی در بلندمدت تنظیم شده و در نهایت در مرحله هفتم پیگیری کاهش مصرف انرژی محصولات تولیدی کارخانه انجام می‌شود.

منابع گوناگون انرژی

در اینجا لازم است به منابع گوناگون تولید انرژی اشاره شده که این منابع عبارتند از مواد فسیلی مانند نفت گاز و زغال سنگ، آفتاب و برق و حرارت، باد و برق و انرژی مکانیکی، هیدرولیک، دریا، شامل جزرو مد امواج و آب نمک، ژئوترمال، سوخت‌های ساخته‌شده، مواد زائد بازیافت زیاده‌ها، هیدروژن، نیروگاههای اتمی و... موضوع بسیار مهم در این میان راندمان استفاده از سوخت‌هاست. این مساله بخصوص در کشورهایی که قیمت سوخت براساس ارزش واقعی روز است بسیار مهم و حیاتی است. رقابت شدید در بازار تجارت جهانی باعث شد که کلیه تولیدکنندگان برای تنازع بقاء حداکثر تلاش خود را برای تقلیل قیمت تولید بکار ببرند. در کشور هلند دولت با اعطا وام برای عایق‌کردن ساختمانهای مسکونی اولین قدم را در صرفه‌جویی انرژی انجام داد و لایحه‌ای گذراند که در روزهای تعطیل استفاده از خودروهای شخصی محدود به شرایط اضطراری باشد.

در اسکاتلند با وجودیکه تابش آفتاب به‌طور متوسط بیش از چهارساعت در روز نمی‌باشد برنامه نصب آبگرمکن‌های آفتابی در سقف‌های منازل مسکونی آغاز شد. در فرانسه دولت قانونی وضع کرد که اگر میزان مصرف گاز نسبت به سطح منازل از حد معینی تجاوز کند مجازات‌های مالی شدید اعمال شود.

در کشور خودمان در دوران رشد صنعتی کشور چون انرژی ارزان یکی از ارکان اصلی تشویق به سرمایه‌گذاری است ضوابط صرفه‌جویی در انرژی مدنظر نبوده است اما امروزه با ملاحظه برنامه دوم و پیش‌بینی قیمت‌های در نظر گرفته شده برای انرژی، اگر برای جلوگیری از هزرفت انرژی اقدامی نشود قیمت تمام‌شده کالاها زیاد شده و از نقطه سر‌به‌سری بالاتر خواهد رفت، گزارش از: سیما هاشمی

گزارشی از یک سمینار

سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری

و شیوه‌های نوین

دست یابند. حال این اطلاعات می‌تواند به کمک سیستم‌های گوناگون مانند سیستم‌های حسابداری و مدیریت تصمیم‌ساز قرار گیرد.»
«دکتر ابوالقاسم فخاریان» از دیگر سخنرانان این سمینار بود که سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری را محور حرکت و انجام همه کارکردها و تصمیم‌گیریهایی مدیران دانست و گفت

*** پرویز بختیاری:** به‌منظور استقرار یک نظام مطلوب اطلاعاتی و استفاده بهینه از آن، باید شرایط و عوامل مناسبی موجود باشد.

*** ژوزف بهنامی:** اگر در موسسات کوچک سازماندهی مستقل وجود نداشته باشد، باید حتماً سازماندهی، مفهومی را در آن ایجاد کرد.

حسابداری زاده رنسانس ایتالیا است. همه نیروهایی که به تجدید حیات در ایتالیا پرداختند، حسابداری را ایجاد کردند. حسابداری تا دهه ۶۰ در پسته سنتی خود قرار گرفته بود و از آن دهه به‌بعد وارد قلمرو سیستم شد، انجمن حسابداران کشور آمریکا، حسابداری را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«حسابداری عبارت است از فرایند شناسایی و اندازه‌گیری به استفاده کنندگان جهت قضاوت و تصمیم‌گیریهایی آگاهانه» بنابراین می‌توان گفت: سیستم اطلاعاتی حسابداری عهده‌دار ارائه اطلاعات به مدیران جهت تصمیم‌گیری‌های لازم مدیریت و بسیار ارزشمند است.

وی افزود: در یک سازمان آنچه اهمیت دارد اهداف استراتژیک سازمان است. که سیستم اطلاعاتی حسابداری می‌تواند به مدیران در تعیین اهداف استراتژیک یاری رساند.

سالن مبنا نمایشگاه بین‌المللی تهران طی روزهای هفتم و هشتم آذرماه سال جاری محل برپایی سمینار بررسی و معرفی ماهیت و مفاهیم کاربردها و ابعاد و دامنه تاثیرات سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بود.

این نشست که با شرکت جمع گسترده‌ای از اعضای حسابداران کشورمان برگزار شد. استادان، مدیران اجرایی و مشاوران طراح سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری نیز حضور داشتند و چگونگی ایجاد زمینه‌های ذهنی مطلوب برای رسیدن به نوعی هم‌زمانی و هم‌دلی بین دست‌اندرکاران این فن در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت تا دشواریها و موانع بهره‌برداری از سیستم‌های نامبرده شفاف‌تر شود.

نخستین سخنران این گردهمایی دکتر «محمد داداش‌زاده»، استاد دانشگاه در رشته کامپیوتر و علوم انفورماتیک بود که ضرورت‌های استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت را مورد بررسی قرار داد. وی تاکید کرد که تحلیل، طراحی و استقرار سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت پیوسته ضرورت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را برای یک سازمان به‌همراه داشته است. که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی عموماً بادر نظر گرفتن بازگشت سرمایه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. اما از نظر منافع اینگونه سرمایه‌گذاریها دیگر نمی‌توان تنها به‌موضوع کارایی بیشتر اندیشید. بلکه تفکر به بهبود در اثربخشی وزنه باارزش دیگری است که در چارچوب منافع یک سیستم اطلاعاتی باید مدنظر باشد به‌همین دلیل توجه کارشناسان مالی و سیستم اطلاعات مدیریت بیشتر باید متوجه وزنه ایجاد برتری مزیت نسبی برای توجیه ضرورت سرمایه‌گذاری در یک سیستم اطلاعاتی باشد.

سخنران بعدی مهندس علی منزوی بود که به‌ارزش اطلاعات نزد مدیران اشاره کرد و گفت: «برهمگان واضح است که مدیران تصمیم‌گیر سازمانها به کمک اطلاعات به‌هنگام و دقیق است که قادرند به اهداف و مأموریت‌های سازمانی خود

بورس و سیستم‌های اطلاعات

«ملیحه موزن قمصری» دیگر سخنران سمینار بورس را یک سازمان جهت متمرکز کردن و قراردادن منابع نفتی در زمینه‌های تولیدی و خدماتی در ابعاد کلان و فعالیتهای اقتصادی خواند و گفت:

«بورس پس اندازهای مردم را در زمینه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری می‌کند تا امکان توزیع هرچه بهتر مالکیت کشور بین اقشار مردم پدید آید. از طرفی سرمایه‌های سرگردان جامعه جلب بخش تولید شده و در بین اقشار جامعه تقسیم شود. چون بین جریانات جامعه از یک سو و امکانات جامعه از سوی دیگر یک پل ارتباطی وجود دارد پس می‌توان با یک مکانیزم جدید در جهت ایجاد استقلال بیشتر و افزایش درآمد سرانه کشور گام‌های اساسی برداشت.»

وی استفاده‌کنندگان از ابزار بورس را دولت و بخش دولتی، شرکتهای و سرمایه‌گذاران خواند و ادامه داد: «دولت‌ها به دلیل ساختار ویژه سیاسی و اداری، اساساً به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع به حساب می‌آیند که منابع نقدی را جذب می‌کنند از طرفی یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران نیز هستند.»

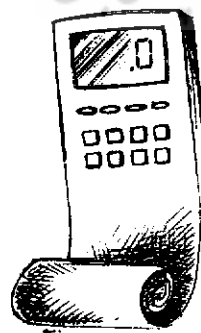
مدیران و کلیدهای حیاتی

«مهندس مرعشی» مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی در بخش مربوط به سخنرانان پانل در این گردهمایی، دیدگاههای خود را در ارتباط با مشکلات موجود در سازمانها مطرح کرد. وی با اشاره به سازمان مدیریت صنعتی به‌عنوان سازمان «مدیرساز» گفت: «در این سازمان خدمات مدیریتی و طراحی سیستم‌های حسابداری بسیار قابل توجه است، ما با توجه به خواست کارفرماهای خود، مشکلات را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم و سرمنشاء مشکلات را جستجو می‌کنیم. که آیا در طراحی‌های خود موفق بوده‌ایم تا فضای لازم بین خود و کارفرما را ایجاد کنیم. با بررسی مشکلات برای برآوردن نیازهای سازمانها مانند ارتقاء کیفیت محصول و بالابردن سود و نیز پاسخگویی به مسئولیت‌های اجتماعی به نتایج قابل توجهی رسیده‌ایم. اولین موضوع در این باره این است که آیا ما تشخیص لازم را داده‌ایم و آیا این تشخیص مناسب است. با بررسی واحدهای صنعتی ملاحظه کردیم برخی از آنها با اقتصاد بازار کار نمی‌کنند و کم‌کم سیستم بسته و مکانیکی در حال شکل‌گیری است و مدیران بدون توجه به تحولات محیطی یاری نمی‌شوند. بنابراین، این

تحولات ذهن مدیر را متاثر نمی‌کرد.

نکته دوم داده‌های تغذیه شده به سیستم بود که ضعف جمع‌آوری اطلاعات را به‌همراه داشت و نتیجه آن ضعف سایر سیستم‌های عملیاتی بود. ما به دنبال نوعی کلید حیاتی و انسجام هستیم و توفقی که در گذشته از سیستم جامع داشتیم باعث شد آگاه شویم که نمی‌توانیم جمع کاملی را به‌گرد خود داشته باشیم اما نیاز به نوعی نظام فکری که بتوانیم خود را در آن چارچوب بیابیم، داشتیم. البته این دیدگاه امروز نه فقط در سطح صنعتی بلکه در سطح دولت نیز مطرح است.»

«مهندس مرعشی» در بخشی دیگر از سخنان خود به واقعیت‌های مهم جامعه ما اشاره کرد و افزود: «تصور من این است که یک سری واقعیت در جامعه ما که به‌رغم تمام افت‌وخیزها داریم، سمت‌وسویی روشن دارد. می‌توانم بگویم که در سال ۷۴ اختیارات بخش خصوصی نسبت به سالهای قبل از ابهامات کمتری برخوردار است. شورای نگهبان قانون بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری را تصویب کرده است و این نشان می‌دهد که گرفتن اختیارات مطرح نیست یا مساله سیاست‌های تثبیت نرخ ارز یا بازگشت به سیاست‌های تعدیل نیست. همه‌ما مدیران و کارشناسان از تغییر قوانین گله‌مندیم. اگر این تغییر وجود دارد باید در جهت وسعت اختیارات حسابداران باشد. اگر چنین باشد دیگر جای گله ندارد بلکه نوعی چالش توسعه‌یافته است و در بحث قانون تجارت نیز یک بحث فنی است.»



* مهندس مرعشی: ما به دنبال نوعی کلید حیاتی و انسجام هستیم.

سیستم‌های حسابداری و دشواری‌ها

«پرویز بختیاری» از دیگر سخنرانان روز دوم این گردهمایی بود. وی که عضو انجمن حسابداران خبره ایران و مدیر بخش مشاوره و طراحی سیستم سازمان مدیریت صنعتی می‌باشد به مسئولیت‌های مدیران در تحقق برنامه‌های توسعه کشور اشاره کرد و گفت:

«مدیران ما با توجه به شرایط دشوار اقتصاد فعلی بیش از هر زمان در هدایت منابع محدود و دستیابی به بالاترین نتایج مسئول هستند و رسالتی که در جهت تحقق برنامه‌های توسعه کشور بر دوش آنها قرار دارد رسالتی بسیار عظیم است.»

در این راستا مراکز تصمیم‌گیری نیز در سطح ملی برای هدایت و تخصیص منابع به بخشهای گوناگون اقتصادی و کنترل مصرف آن‌ها، نیازمند اطلاعاتی هستند که محصول سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری است.»

وی افزود: «به‌منظور استقرار یک نظام مطلوب اطلاعاتی و استفاده بهینه از آن، باید شرایط و عوامل مناسبی موجود باشد که می‌توان به عواملی نظیر، تعداد مناسب متخصصان سیستم‌ده، وجود نظارت حرفه‌ای بر کار آنان، تمایل مدیریت به داشتن سیستم حسابداری مناسب، کافی بودن توان علمی و تخصصی کارکنان، مجری سیستم و مهمتر آنکه شرایط اقتصادی و اجتماعی برای استفاده از آثار و نتایج سیستم مناسب باشد.»

«ژوزف بهنامی» یکی دیگر از اعضای انجمن حسابداران خبره ایران و مدیر تحقیق و توسعه سازمان مدیریت صنعتی، سخنرانی خود را پیرامون موضوع مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت مطرح و روندهای مختلف در جهان را مورد بررسی قرار داد. وی گفت: این تغییرات به سیستم‌های اطلاعاتی اثر می‌گذارد و آنرا دچار تحول می‌سازد. دیگر دورانی که یک موسسه یک سیستم اطلاعاتی را طراحی می‌کرد گذشته است. امروز سیستم اطلاعاتی موجودی است مانند تولید یا امور مالی که باید موضوع مدیریت قرار گیرد و باید در این باره حساسیت وجود داشته باشد. اگر در موسسات کوچک سازماندهی مستقل وجود نداشته باشد حتماً سازماندهی مفهومی را در آن ایجاد کرد که شرح وظایف آن نیز روشن باشد.

گزارش از: علی اکبر بابائی

سرمایه گذاری، تولید و ویژگی های توسعه صنعتی

جامعه اسلامی مهندسين (جام) در اواخر آبان ماه سال جاری مبادرت به برپائی سمینار يكروزه‌ای کرد که در آن به مباحث تولید و سرمایه‌گذاریهای ممکن، همچنین موانع موجود بر سر راه این‌گونه سرمایه‌گذاریها پرداخت و راه‌حل‌هایی قابل اجرا را مورد بررسی و کنکاش قرار داد.

در این نشست کوتاه که تنی چند از معاونان وزارتخانه‌ها و کارشناسان متخصص حضور داشتند، دکتر حسن غفوری‌فرد دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين طی سخنرانی خود به مقایسه بخش تحقیقات از تولید ناخالص ملی کشورمان و سایر کشورهای پیشرفته بویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا پرداخت و گفت: «میزان بخش تحقیقات از تولید ناخالص ملی کشورمان طی برنامه دوم ۱/۵ درصد در نظر گرفته شده است و این در حالی است که در کشورهای جنوب شرقی آسیا این میزان ۲/۵ درصد است. که از میزان ۱/۵ درصد ذکر شده، ۷۵ درصد آن به بخش خصوصی تعلق دارد. این آمار نشان می‌دهد که توجه بیشتر به امر تحقیقات و پژوهش در کشورمان اجتناب‌ناپذیر است. در این باره باید دیدگاه دقیق و کامل‌تری جریان بیاید تا بتوان آنطور که شایسته نظام جمهوری اسلامی است گام برداشت.

امروزه سرعت تحولات علم در جهان قابل توجه بوده و تنها آن‌دسته از کشورهایی که خود را با این تحولات یکسان می‌کنند قادر خواهند بود تا منزلت خود را در میان کشورهای پیشرفته صنعتی حفظ کنند. اگر به میزان سرمایه‌گذاری تحقیقات در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی توجه شود ملاحظه خواهیم کرد که شرکت جنرال موتورز در آمریکا در زمینه تحقیقات بیشتر از ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری به‌عمل آورده است و آمار نشان می‌دهد که کل بودجه تحقیقاتی کشورمان طی سال ۱۳۷۲ معادل ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

«دکتر غفوری‌فرد» ادامه داد: مشکل بزرگ صنایع ما این است که توجه خاصی به امر تحقیقات و پژوهش در صنایع کشور نمی‌شود. باید به تفاوت صنعتی‌شدن یا صاحب صنعت بودن توجه شود. ممکن است یک کشور دارای صنعت باشد اما صنعتی نباشد و برای

صنعتی‌شدن باید عوامل مهمی چون فرهنگ صنعتی، انضباط و سازماندهی صنعتی را مدنظر داشت.

سیاست‌ها و بازدهی سرمایه

«مهندس علی‌نقی خاموشی»، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با اشاره به جمعیت جوان کشورمان، مشکل برنامه‌ریزان اقتصادی کشور را مورد تاکید قرار داد و گفت: «طبق آمار ۴۴ درصد جمعیت کشورمان زیر ۱۵ سال قرار دارد که این رقم در کشورهای دیگر حدود ۳۶ درصد است که این می‌تواند باعث مشکلاتی در زمینه‌های اشتغال شود. براساس آمار ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، ارزش افزوده بخش صنعت ایران در بخش واحدهای تولیدی طی سال ۱۹۹۲ معادل ۱۵/۴ میلیارد دلار بوده است (معادل ۰/۲۸ درصد ارزش افزوده صنعت جهان) که این امر با توجه به اینکه ۱/۱۷ درصد جمعیت جهان در ایران بسر می‌برند رقم بسیار پائینی است. متأسفانه در جریان سیاست‌گذاری، توجه بسیار اندکی به هزاران واحد صنعتی کشور شده است در این واحدهای صنعتی که تعداد آنها ۴۰۲ هزار در سطح کشور است ۹۵ درصد آنها زیر ۱۰ نفر کارکن دارند. این سهم در تولید ناخالص ملی کشورمان بیشتر از واحدهای صنعتی دارای بیش از ۲۵۰ نفر کارکن است. این بی‌توجهی نسبت به کارگاههای صنعتی مشکلات خاصی از جمله تامین مواد اولیه را دربر خواهد داشت. به‌طورکل اگر سیاست‌ها به‌گونه‌ای طراحی شود که بازدهی سرمایه در تولید بیشتر از سایر فعالیتها شود بدون تردید سرمایه‌ها به‌سوی تولید گرایش خواهند یافت.

در بررسی روند سرمایه‌گذاری در بخش صنایع به آمار هشداردهنده‌ای می‌رسیم که نشان می‌دهد طی سال ۱۳۵۵ میزان سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از ۳۰۵ میلیارد ریال به ۲۳۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش داشته است که این رقم در سال ۱۳۷۳ به ۵۰ میلیارد ریال کاهش داشته است. برای جلوگیری از این‌گونه رکودها می‌توان به راه‌حلهای اساسی‌تری پرداخت راه‌حلهایی

چون ایجاد تسهیلات ضروری برای بخش صنعت در زمینه‌های مالیاتی، قانون کار، مسایل مربوط به اخذ عوارض و بیمه.

در ادامه این نشست «مهندس داود دانش‌جعفری» رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با نگرش به مسکن به‌عنوان وزنه تعادلی در برنامه‌ریزی اقتصادی کشور به سخنرانی پرداخت وی با اشاره به سهم بخشهای اقتصادی در کشورهای جهان گفت، این سهم نشان می‌دهد که بخش ساختمان (شامل مسکن، توسعه راهها، فرودگاهها و بنادر) یکی از مهمترین بخشها می‌باشد و در کشورهای درحال توسعه بعد از کشاورزی و در کشورهای صنعتی بعد از بخش صنعت مهمترین فعالیت اقتصادی به‌حساب می‌آید. از نظر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی نیز جایگاه بخش ساختمان قابل توجه است. بخش ساختمان حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد از تولیدات سایر بخشهای صنعتی را مورد استفاده قرار می‌دهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱۲۰ رشته فعالیت صنعتی در ارتباط با بخش ساختمان قرار دارد. به‌گونه‌ای که فعالیت مناسب بخش ساختمان تأثیر متقابلی روی رشد و توسعه سایر بخشهای اقتصادی دارد.

درآمدی به راهبرد توسعه صنعتی در ایران
معاون مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، «مهندس محمد حسین ملایری» از دیگر سخنرانان سمینار جامعه اسلامی مهندسين بود. وی به موضوع توسعه صنعتی کشورمان پرداخت و گفت: «در ارتباط با توسعه صنعتی ایران بیشترین نگرش‌ها، بخشی بوده و متاثر از سیاست‌های کلان اقتصادی که در این مورد حضور تئورسین‌های اقتصادی نیز نامشهود بوده است. بخش صنعت در برنامه اول از حدود ۳۵ میلیارد دلار ارزش سوبسیدی برخوردار بوده است. برخی از شاخص‌های رشدیافته در برنامه اول اقتصادی باعث شده است که بسیاری از صاحب‌نظران تصور کنند که بخش صنعت عامل زایش ثروت بوده و می‌توان به‌آن به‌عنوان موتور محرکه کشور نگریست و این تصوری غلط است.»
مهندس ملایری افزود: «از مشکلات عمومی بخش صنعت در کشور می‌توان به نوسانات سیاست‌های ارزی و وجود سیاست بازرگانی غیرکارآ اشاره کرد که دخالت‌گسترده دولت در اقتصاد از مشکلات عمومی بخش صنعت به‌حساب می‌آید.» □

مداخلات سازنده

بقیه از صفحه ۳۷

دومین نوع دخالت این است که به تغییر ضروری سیستم یا تغییری که در حال رخ دادن باشد کمک کنیم. مثلاً اگر آیین اخلاقی کاملاً جدیدی برای کسب و کار ضرورت پیدا می‌کند، برای آموزش چنین آئینی باید اقدام شود. یا اگر شکلهای سازمانی جدیدی ضروری به نظر می‌رسد، باید در مقیاسی کوچک آزمایش شود. نوع سوم شامل اقداماتی برای کاهش ترس است. هر قدر که تغییر سیستم و ضرورت این تغییر را بیشتر بفهمیم، ترس ما بیشتر خواهد ریخت.

فرض کنید کسی دچار حمله قلبی شده باشد. دخالتی که در این مورد می‌شود ایجاد لوله‌ها یا مجاری فرعی برای جریان یافتن خون است. اما اگر سبک زندگی این شخص ایجاد فشار روحی می‌کند که احتمال دارد حمله قلبی دیگری پیش آید جراحی به تنهایی کافی نخواهد بود که عمری طولانی را تضمین نماید. بنابراین دخالتی دیگر

این خواهد بود که این شخص را قانع نمایند که سبک زندگی خود را به کلی عوض کند و از جمله هدفها و ارزشهای خود را تغییر دهد. اما ترس و مقاومت ممکن است که این امر را دشوار سازد.

پس سومین راه برای کمک به این شخص این است که شرایطی فراهم شود که وی با سهولتی بیشتر زندگی خود را از نو ارزیابی کند و به تغییر اساسی معتقد شود.

فشار مشکلات در جامعه معاصر دخالت نوع اول را از نظر سیاسی پرجاذبه می‌سازد. بیشتر، از سه نوع اقدام برای حل مشکلات محیطزیست نام بردیم. این اقدامات احتمالاً بیش از پیش از نظر سیاسی قابل عمل خواهند بود.

دومین نوع دخالت، به شرطی که این تحول عمیق جاری و تغییر نظام را بر مبنای آن ببندیم، این است که به پیشرفت آن کمک کنیم. نمونه‌ای از این شرکتهای گوناگون مبتنی بر «الگوهای جدید» است که در سالهای اخیر پیدا شده‌اند.

سومین نوع دخالت، که شاید از همه ضروری‌تر و فوری‌تر باشد، بیشتر جنبه آموزشی دارد. باید واقعیت نیروهای تاریخی عامل تغییر به

هر وسیله‌ای که ممکن باشد، هر چه بیشتر تفهیم شود و این حقیقت گفته شود که تغییر به احتمال زیاد اجتناب‌ناپذیر است (هرچند که پیامدهای مثبت آن قطعی نیست)، و ببینیم که برای گذر از دوره گذار چه می‌توان کرد.

در اینجا فرمول‌های عمل شسته‌رفته‌ای وجود ندارد. ما در دوران آشوب و هرج و مرج زندگی می‌کنیم و پیش از اینکه این دوران به سر آید اوضاع باز هم آشفته‌تر خواهد شد. در اینجا کوشیده‌ام تا محاسن و مزایا و شناختی را که از رهیافتی جامع و سیستمی دارم ارائه نمایم. هر نوع نتیجه‌گیری باید موقت باشد تا شواهد و قرائن بیشتری به دست آید، که این طبیعت خود زندگی است. □

پانوش:

1 - ALTERNATIVE ECONOMIES

منظور از اقتصاد جایگزین، اقتصادی است که اثرات تخریبی آن بر محیط زیست اندک باشد. مصرف منابع غیرقابل تجدید آن حداقل باشد و انسانها در معرض استنمار و بیگانگی قرار نگیرند. م



کدیران

نخستین شرکت تخصصی سیستمهای شناسائی خودکار (Automatic Identification) مجموعه ای از سیستمهای ذیل را با بهره‌گیری از تکنولوژیهای نوینی چون بارکد (Barcode) و نوار مغناطیسی (Mag. Stripe) عرضه می‌نماید:

- سیستم مدیریت فروش و موجودی با بهره‌گیری از تکنولوژی بارکد P.O.S.
- سیستم حضور و غیاب (کارت مغناطیسی و بارکد) Time Attendance
- نظامی درب بدون کلید (کارت مغناطیسی) Card Lock
- سیستم کنترل ورود و خروج (کارت مغناطیسی و بارکد) Access Control
- سیستم انبارداری (بارکد)
- سیستم کنترل نویید (بارکد)
- سیستم مدیریت کتابخانه (بارکد)

کدیران با ارائه حلیف گسترده‌ای از تجهیزات سیستمهای بارکدینگ و نوار مغناطیسی و ... آماده ارائه خدمات موردنیاز شماست.

با ما و با تکنولوژی همراه شوید.

تهران - خیابان شاریخان - خیابان شادمهر - کوی گل کلاب - پلاک ۲۱ - تلفن: ۶۱۲۶۱۵۵ - فاکس: ۶۱۲۶۱۵۶

